

الف) گزارش عملیات کربلای ۴* ابلاغ مأموریت

در پی عملیات کربلای ۱ (آزادسازی مهران) فرماندهی قرارگاه خاتم‌الطی ابلاغیه‌ای، مأموریت پدافند، ترابری و پشتیبانی هوایی نزدیک در منطقه عملیاتی غدیر را به نیروی هوایی سپاه محول کرد تا با همکاری نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، به اجرای مأموریت بپردازد.

در عملیات‌های گذشته، کنترل عملیات نظامی پدافند هوایی و سایر پشتیبانی‌های هوایی و برآورد نیازها و هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و واحدهای مأمور از ارتش به نیروی زمینی سپاه، از طریق شعبه‌های هماهنگی این نیرو صورت می‌گرفت.

مأموریت محوله به نیروی هوایی سپاه، با توجه به نوپا بودن آن، موقعیتی بود که می‌توانست براساس اهداف تعیین شده فرماندهی، سازمان رزم نیرو نیز تدوین و تثبیت گردد. همچنین، ورود نیروی هوایی سپاه به صورت مستقل در جنگ، کسب تجربه و آزمونی برای توان، وضعیت و کیفیت او بود.

با توجه به اهمیت پشتیبانی نیروی هوایی دشمن، پارامترهای زیر را نیز می‌توان به آن اضافه کرد:

۱. فقدان استتار عقبه. در حالی که در عملیات والفجر ۸، عقبه از پوشش مناسبی (نخلستان) برخوردار بود و دشمن نمی‌توانست بمباران‌های هدف دار داشته باشد.

۲. نزدیک بودن منطقه عمومی به پایگاه‌های هوایی فعال عراق همچون ناصریه، شعیبیه و کوت.

۳. گستردگی عقبه نسبت به عملیات والفجر ۸ (باز بودن منطقه).

۴. آمادگی دشمن برای فعالیت‌های هوایی شبانه. بنا به گزارش‌های به دست آمده، نیروی هوایی عراق، تمرین‌های پی‌گیر پرواز در شب را شروع کرده است.

۵. طولانی بودن خط پدافندی، این امکان را به دشمن می‌داد که با آزادی بیشتری طرح‌های مانور خود را به اجرا گذارد.

۶. عدم دسترسی برد آتش توپخانه به عقبه و خطوط مواصلاتی دشمن. در عملیات والفجر ۸، موقعیت

جغرافیایی منطقه و آرایش توپخانه به موازات طول عقبه دشمن از برتری نسبی بهره‌مند بود که این منطقه از آن امکان محروم است.

۷. مساعد بودن زمین برای به کارگیری تمامی امکانات زمینی دشمن جهت مانور.

ضرورت وجود پدافند هوایی، کیفیت و تناسب برای ایجاد موازنه قدرت، موجب شد تا انتخاب شیوه به کارگیری امکانات نیروی هوایی ارتش و هوانیروز در کنار آنچه نیروی هوایی سپاه به میدان می‌آورد مطرح گردد. در این زمینه فرمانده کل سپاه دو دیدگاه و شیوه را مطرح کرد که به موجب یکی از آنها، پایگاه‌های هوایی ارتش در دزفول، بوشهر و امیدیه با سازمان و امکاناتشان به همراه فرماندهان مسئول آن به عنوان پدافند و پشتیبانی هوایی تحت امر سپاه قرار گیرند. دیدگاه دوم مبتنی بر این بود که مسئولیت کلی با فرماندهی نیروی هوایی ارتش باشد، اما مأموریت‌های تاکتیکی و اجرایی را سپاه انجام دهد. در این خصوص، ستاد کل پدافند نیز با نظر دوم موافق بود و بحث پدافند را از این زاویه مطرح می‌کرد که قرارگاه رعد^۱ که مسئول کلی پدافند جنوب کشور است، باید مسئولیت پدافند در عملیات، با این قرارگاه باشد و نظارت بر کل پدافند نیروی هوایی سپاه، از جانب ستاد کل پدافند - به ریاست آقای حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی - انجام شود و با انتخاب چند رابط، هماهنگی بین قرارگاه خاتم^۱ و قرارگاه رعد^۱ برقرار شود. در نهایت فرماندهی کل، شیوه دوم را این گونه پذیرفت که مدیریت قرارگاه رعد با نیروی هوایی ارتش باشد، اما مأموریت‌های قرارگاه خاتم^۱ را انجام دهد. بر این اساس، در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۲۵ طی ابلاغیه‌ای نحوه اجرای پشتیبانی‌های هوایی و پدافندی در عملیات آتی (کربلای ۴) به شرح زیر اعلام شد:

۱. پشتیبانی نزدیک و بمباران هوایی، تخلیه مجروحان، ترابری هوایی و پدافند هوایی از عملیات قرارگاه خاتم^۱ به عهده قرارگاه رعد به فرماندهی سرهنگ عباس بابایی و جانشینی سرهنگ براتعلی غلامی باشد. همچنین، قرارگاه رعد مسئولیت عملیاتی پدافند هوایی از مناطق نفتی

* سند شماره ۶۵۸ آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



جنوب را کماکان بر عهده خواهد داشت.

۲. کلیه تجهیزات پدافندی بر مبنای کالکی (طرحی) که با هماهنگی قرارگاه خاتم ۱ و قرارگاه رعد تهیه می شود، در محل های مورد نظر مستقر خواهند شد و تغییرات بعدی با هماهنگی طرفین صورت خواهد گرفت. محل استقرار اولیسه و جاب جایی های سایت های "هاوک" ۱ به پیشنهاد قرارگاه های مزبور و تصویب ستاد کل پدافند کشور انجام خواهد شد.

۳. گسترش کلیه یگان های پدافندی قرارگاه خاتم ۱ با هماهنگی و نظارت قرارگاه رعد انجام می شود تا ضمن هماهنگی در عملیات پدافند هوایی از بروز مشکلات احتمالی در عملیات آفند هوایی نیز جلوگیری گردد.

۴. پشتیبانی نزدیک هوایی از قرارگاه خاتم ۱ در ده روز عملیات، به میزان روزانه ۲۳ سورتی و بیست روز بعد، روزانه ۱۲ سورتی توسط قرارگاه رعد و بنا به درخواست انجام می شود.

با صدور این دستور، تمام مسئولیت ها از سپاه و نیروی هوایی آن، که به عنوان هماهنگ کننده و عامل کنترل عملیات پدافندی می بایست در این عملیات انجام وظیفه می کرد، سلب شد و به ستاد کل پدافند

واگذار گردید. اما در ادامه بحث پدافند، سرهنگ بابایی، فرمانده قرارگاه رعد و سرهنگ غلامی، جانشین فرمانده قرارگاه رعد به این دلیل که امکانات و لوازم اجرایی لازم را در این خصوص در اختیار نداشتند، از قبول مأموریت خودداری کردند. متعاقب آن، از سوی برخی افراد که سعی داشتند ذیل ستاد کل پدافند، سپاه را محدود و زیر چتر کنترل و نظارت خود درآورند، در جهت ایجاد شبهه و فاصله بین نیروی هوایی ارتش با سپاه و همچنین عدم پذیرش کنترل عملیاتی نیروی هوایی سپاه اقداماتی صورت می گرفت. البته، سرهنگ بابایی چنین تمایلی را تکذیب می نمود، اما ستاد کل پدافند، از این موضوع مبرا نبود.

در نهایت، مسئولیت پدافند کل منطقه جنوب به عهده قرارگاه رعد (پدافند نیروی هوایی ارتش) واگذار شد. این قرارگاه نیز خود را تنها در قبال ستاد کل پدافند مسئول می دانست و به این علت، هماهنگی ها در سطح خیلی نازلی بود.

شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن اقدامات واحد اطلاعات و عملیات

پس از عملیات کربلای ۱ (مهران)، نیروی هوایی، محور جنوب را بدون طرح مشخصی، برای تمرکز کار

1. Hawk

علت کمبود نیرو، کار پایه ای بر روی پدافند صورت نگرفت و تنها روی مراکز مهم شهرهای کوت، ناصریه، شعیبیه با مختصات یک دهم پیاده شده و به صورت جزء به جزء مورد بررسی قرار گرفت.

شناسایی استعداد نیروی هوایی عراق در جنوب

اطلاعاتی که از استعداد آمادگاه ها و پایگاه های هوایی عراق توسط واحد اطلاعات و عملیات نیروی هوایی سپاه به دست آمد، نشان داد که عراق دارای ۵۹۶ فروند هواپیما، با قابلیت جنگی می باشد که از این تعداد، ۲۹۲ فروند بمب افکن، ۱۷۳ فروند رهگیر و ۱۳۱ فروند آموزشی هستند که بعضی از آنها را می توان به صورت بمب افکن نیز مورد استفاده قرار داد.

انواع این هواپیماها عبارتند از هواپیماهای سوخو توپوتوش ۲۲ آموزشی و بمب افکن: ۱۱۰ فروند؛ سوخو ۲۰: ۱۰۵ فروند؛ سوخو ۲۵ رهگیر و بمب افکن: ۲۵ فروند؛ میگ ۲۱ که کارهای آموزشی، رهگیری و آموزشی بمب افکن را انجام می دهد: ۱۴۲ فروند؛ میگ ۲۵ که کار عکسبرداری هوایی و بمب افکن و برتری هوایی را انجام می دهد: ۳۰ فروند و میراژهای F1G و F1GF و جیمینگ رادار مجموعاً ۶۷ فروند که همه به صورت فعال در پایگاه های جنوب عراق مستقر بودند.

برنامه ریزی آموزشی و جانشین کردن خلبانان به صورت ۲/۵ به ۱ است و با توجه به کارهای تحقیقاتی که طی این مدت انجام شده، تعداد خلبانان دشمن بین ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ تن می باشد که به دوره های آموزشی بستگی دارد.

برای پوشش مجموعه منطقه جنوب، عراق از ۳ پایگاه اصلی استفاده می کند: پایگاه های شعیبیه، کوت و ناصریه. پشتیبانی این سه پایگاه از "جانبیه" انجام می گیرد. نحوه پشتیبانی چنین است که هواپیماها را بعد از چندین سورتی پرواز، برای تعمیرات به آنجا می فرستند و هواپیماهای جدیدی جایگزین آنها می شوند.

از پایگاه العماره به عنوان باند اضطراری و در عین حال محل استقرار هواپیماهای ضد رادار سوخو ۲۲ ایکس ۲۸ بهره برداری می شود. عراق حدود ۹ باند

اطلاعات و عملیات جهت انجام کار پایه ای در نظر گرفت. واحد اطلاعات و عملیات، که بهتر است از آن تحت عنوان واحد اطلاعات نظامی یاد کنیم، کار خود را در زمینه استعداد نیروی هوایی عراق، به ویژه در بخش جنوب، با بررسی اسناد و کار مستمر گروهی بر روی خلبانان اسیر عراقی شروع کرد و تلاش خود را جهت کسب اطلاعات آماری از نیروی هوایی و هوانیروز و مراکز و اماکن مهم دشمن از قبیل پایگاه های هوایی، نوع استعداد و مسائل مربوط متمرکز کرد.

دومین مرحله، بررسی منطقه کوشک به سمت جنوب بود. جبهه جنوب به سه محور تقسیم شده بود:

۱. آبادان به پایین

۲. کوشک تا آبادان

۳. تنگه چزابه تا کوشک

به لحاظ مشخص تر شدن دالان های هوایی و ورود دشمن برای بمباران مناطق داخل ایران و شهرهایی همچون اهواز، دزفول و شوشتر، کالک هایی در این زمینه تهیه و به فرماندهی ارائه گردید. در این زمینه برادر اربابی، مسئول اطلاعات و عملیات نیروی هوایی سپاه، می گفت:

«ابتدا فکر می کردیم فرماندهی در این زمینه دارای اطلاعات می باشد، اما در برخورد اول دریافتیم که اطلاعات بسیار ضعیفی دارند و کمبود بسیار است.»^۱

با مشخص شدن کمبودها، برای بررسی خطوط مرزی و منطقه عملیاتی والفجر ۸، تعدادی اهداف فرضی به یازده خلبان اسیر عراقی که بین آنها فرمانده و معاون اسکادران وجود داشتند، داده شد و پس از کار مستمر، دالان های مشخص و چک پوینت های دشمن و پایگاه ها و توازن رزمی آن به دست آمد که با رسم آن روی کالک گسترش پدافند و آرایش آن در منطقه عمومی مشخص شد. اما مسئله ای که موجب کندی کار در واحد اطلاعات و عملیات می شد، کارهای جانبی و فرعی همانند نقشه کشی و یا گونیا کردن بود که از این واحد، خواسته می شد و با توجه به تازه کار بودن نیروهای اندک آن، بر مشکلات کار می افزود.

تا دو روز قبل از حمله، کار بر روی پدافند موشکی، برای کسب اطلاعات و رادارهای جنوب تمام شد؛ اما به

۱. در مصاحبه ای که مسئول اطلاعات عملیات درباره عملکرد واحد خود در عملیات کربلای ۴ باراوی به عمل آورده این مطالب اشاره کرد. (قرارگاه حسینیه ۱۰/۵/۱۳۶۵)

مسئولیت پدافند منطقه عملیاتی بود؛ اما به دنبال مسائل و دیدگاه‌هایی که در قسمت اول ذکر شد و پیشنهادهایی که ارائه گردید، در امتداد مسئولیت پدافندی که قرارگاه رعد در کل منطقه جنوب به عهده داشت، پدافند منطقه عملیاتی کربلای ۴ نیز به این قرارگاه واگذار شد. قرارگاه رعد هم تنها خود را در قبال ستاد کل پدافند مسئول می‌دانست.^۱ بنابراین، هماهنگی‌ها در سطح خیلی نازلی بود و قرارگاه صاعقه در جریان امر قرار نمی‌گرفت. اگر هماهنگی هم وجود داشت، بر اساس روابط و شناخت فردی بود و اگر هم ضعف و نارسایی بود، مرجع قانونی و شناخته شده‌ای برای پیگیری معضلات پدافند وجود نداشت. مسئول پدافند نیروی هوایی سپاه، بعد از عملیات گفت: «اگر عملیات بدین نحو ادامه می‌یافت، مشکلات بسیار حاد می‌شد.»

طرح ریزی پدافند و مشکلات آن

عناصری که مأمور برآورد و تهیه طرح پدافند شده بودند، عمدتاً در پیش‌بینی خود با دو مسئله درگیر بودند. اینکه، آیا بر اساس مسئولیتی که به آنها واگذار شده بود، طرح را تنظیم و ارائه دهند، یا بر اساس توان و نیاز فرماندهی جنگ این طرح را آماده کنند.

نتیجه بررسی در این زمینه چنین شد که طرحی تنظیم و پیاده شود که بتوان بر مبنای آن از منطقه عملیات دفاع کنند. برآورد تجهیزات در طرح بر عهده رده بالاتر، یعنی قرارگاه عملیاتی جنگ گذاشته شد.

عمده تجهیزاتی که نیروی هوایی سپاه برای پدافند هوایی منطقه پیش‌بینی کرده بود، در اختیار و توان سپاه نبود و بیشتر مستلزم پیگیری برادر محسن رضایی از دیگر کانال‌های خارج از سپاه بود. آنچه نیروی هوایی سپاه در این عملیات تقبل کرده انجام دهد، عبارتند از:

۱. استقرار یک سایت تاکتیکی "سام ۲" با چهل فروند موشک.
۲. حمله موشکی به پایگاه‌های هوایی عراق به وسیله موشک‌های "فراگ ۷"^۳ (این امر بستگی به رسیدن این موشک‌ها از خارج از کشور داشت). پایگاه‌های

اضطراری جدید از پایگاه کوت تا ناصریه^۴ احداث کرده است. پایگاه‌های شعیبیه و ناصریه به عنوان مراکز بمباران و پایگاه‌های رهگیر و پشتیبانی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه پایگاه کوت هفتاد کیلومتر تا مرز فاصله دارد، تاکنون زیر آتش توپخانه نبوده است. به گفته برادر اربابی مسئول اطلاعات عملیات نیروی هوایی سپاه، به علت عدم ثبت تیر توپخانه، پایگاه شعیبیه زیر آتش مؤثر نیست. برادر محسن رضایی، فرماندهی سپاه، در این خصوص به برادر عساکره، فرماندهی ادوات نیروی زمینی سپاه، اظهار داشت: مختصات صحیح این پایگاه برای ثبت تیر دریافت شود تا در شب عملیات برای جلوگیری از پرواز از این پایگاه، بر روی آن اجرای آتش شود. پایگاه شعیبیه با برخورداری از ۱۴ بمب افکن، می‌تواند در هر روز ۱۰۰ سورتی پرواز داشته باشد که این توان بعد از چهار روز با ۲۵ درصد کاهش، به ۶۰ سورتی تقلیل می‌یابد.

همچنین، با توجه به اطلاعات به دست آمده از پایگاه ناصریه، این پایگاه حدوداً می‌تواند ۳۰۰ سورتی سرویس عملیاتی در روز داشته باشد و بعد از آن توانش به ۲۵۰ سورتی در روز تقلیل می‌یابد.

یکی از کارهایی که نیروی هوایی عراق در جریان عملیات والفجر ۸ انجام داده بود، عدم بهره‌برداری از تمامی توان اسکادران‌های پایگاه پشتیبانی "جبانیه" بود؛ بنابراین، پیش‌بینی می‌شد عراق در این عملیات بتواند توان هوایی بالایی را به کار گیرد.

پایگاه "جبانیه" دارای هشت اسکادران است که به عنوان عمده‌ترین پایگاه پشتیبانی در این منطقه عمل می‌کند. اسکادران‌های موجود در این پایگاه هر یک سال تغییر و به صورت چرخشی عمل می‌کنند. در مجموع، عراق دارای ۱۳۴ اسکادران هواپیما است.

پدافند هوایی

مسئولیت پدافند

یکی از مأموریت‌هایی که در ابتدای طرح ریزی عملیات کربلای ۴ به عهده نیروی هوایی سپاه گذاشته شد،

۱. در جلسه مشترک توجیهی فرماندهی نیروی هوایی ارتش با برادر محسن رضایی در روز ۱۳۶۵/۹/۲۹، ضمن صحبت در زمینه استقرار تجهیزات سیستم موشک ضد هوایی هاوک و ...، سرهنگ عباس بابایی گفت: ستاد کل پدافند تصویب کرده که هاوک در این منطقه بیاید و هر گونه تغییر را باید آنها تصمیم بگیرند.



بستگی به رسیدن ۵۰ قبضه توپ جنبی داشت که در حال تخلیه در بندر بود.)
 ه) یک گردان توپ ضد هوایی ۲۳ میلی متری (کمک مستقیم)

۲. ارتفاع بالا

برای پدافند ارتفاع بالا، یک سایت موشکی سام ۲ در نظر گرفته شد.

بعد از مدتی از سوی مقامات ذی ربط اعلام شد که تنها قسمتی از جنگ افزارهای پیش بینی شده در طرح، تأمین خواهد شد. بر همین اساس، فعالیت های مهندسی که برای سکوسازی و استقرار مواضع سلاح های پدافند ضد هوایی جریان داشت، متوقف گردید و در پی آن طرح اولیه بررسی و اصلاح قرار گردید و مقرر شد آرایش و گسترش تجهیزات پدافند هوایی بر مبنای واقعیات و توان موجود صورت گیرد. بر اساس برآورد جدید، در مجموع ۶۶ قبضه توپ ضد هوایی، شامل ۱۶ قبضه اورلیکن، ۲۵ قبضه توپ های ۵۷ و ۳۵ میلی متری، ۳ سیستم موشکی راپیر و ۲ سیستم موشکی هاوک برای این منطقه عملیاتی مشخص گردید و برای ساخت مواضع و سایت ها به ستاد قرارگاه کربلا ابلاغ شد.

مورد نظر در طرح، شعبیه، ناصریه، کوت و العماره بودند. افزون بر این، مسئولیت پدافند موشکی تهران نیز به عهده نیروی هوایی سپاه گذارده شده بود.

در تهیه برآورد، حتی الامکان سعی شده بود تجهیزات و تعداد قبضه های سلاح، در حدود استعداد عملیات والفجر ۸ باشد. بر این اساس، پس از هماهنگی با فرماندهی نیروی هوایی ارتش، جنگ افزارها به دو دسته تقسیم بندی شد:

۱. ارتفاع متوسط و ارتفاع پایین

الف) پنج سیستم موشکی هاوک، دو سیستم استقراری و سه سیستم های پاور^۱ برای رزرو که در صورت نقص یا انهدام، جایگزین شود.

دشمن با توجه به شناسایی و آشنایی که با ساختار و شکل سایت ها داشت به راحتی می توانست آنها را مورد تهاجم قرار دهد. بنابراین، قرار شد که ساخت مهندسی سکوهای سایت هاوک با طرحی جدید ساخته شود.

ب) پیش بینی دوم، ده رصد کامل اسکای گارد^۲ (یک رادار باد توپ) برای پوشش نقطه ای در نظر گرفته شد.

ج) سی توپ اورلیکن (منهای رادار آن)

د) دو گردان توپ ۵۷ میلی متری (استقرار این دو گردان

1. High Power

2. Sky Guard

مهندسی پدافند هوایی (الف) مهندسی ارتفاع بالا

مهندسی پدافند نیروی هوایی سپاه، مأموریت تهیه کالک محل ساخت و استقرار جنگ افزار پدافندی را بر عهده داشت و کار مهندسی ساخت، بر عهده واحد مهندسی نیروی زمینی قرارگاه خاتم(ص) بود. به طور کلی ساخت دو نوع سایت مطرح بود، سایت "هاوک" که نیروهای مهندسی تجربه و کارآرایی ساخت آن را داشتند و در این زمینه مشکلی دیده نمی شد؛ اما چون ساخت سایت تاکتیکی "سام ۲" برای اولین بار بود که تجربه می شد، کسانی که ساخت آن را تقبل نموده بودند، تجربه و کارآرایی لازم و کافی را برای این کار نداشتند. بنابراین، در مورد طرح ساخت آن تردید و ابهام بسیاری وجود داشت. از طرفی، چون واحد مهندسی نیروی هوایی، نوپا و تازه کار بود و پرسنل و ابزار لازم را برای این کار نداشت، نمی توانست به طور مستمر جریان کار را دنبال کند، به این جهت حدود دو ماه طول کشید تا حداقل نقشه پروژه را تحویل مهندسی خاتم(ص) بدهند. گذشته از مسائل ذکر شده، محل و زمینی که برای ساخت سایت فوق در نظر گرفته شده بود، برای این کار مناسب نبود و در محدوده استقرار تیپ ۴۴ قمرینی هاشم(ع) قرار داشت و محل دیگری هم که برای این کار مشخص شده بود، در منطقه باتلاقی دارخوین بود. به هر جهت فعالیت های مهندسی به علت عدم پیگیری مستمر، به خوبی پیش نرفت و مهندسی قرارگاه نیز اجرای این طرح را به پیمانکاران و اداره راه سازی واگذار کرد که این نیز بر پیچیدگی و کندی کار افزود. به این ترتیب، کار به گونه ای پیش رفت که در شب عملیات بنا به ادعاهای واحد مهندسی، از ۹ سایت هاوک تنها ۳ سایت ساخته شد و بنا به گزارش برادران نیروی هوایی که برای استقرار "های پاور" به منطقه آمده بودند، تنها از نه سایت، یک سایت ناقص آماده شده بود. البته بارش سه روزه باران در کندی و ضعف کار مهندسی تأثیر به سزایی داشت و در نقاطی که جاده نبود، اثر منفی باقی گذاشت. در واقع، جریان آب باعث از بین رفتن ۳۰ درصد از کارهای انجام

شده گردید. به طور کلی باید گفت که سرمایه گذاری لازم در امر مهندسی سایت ها صورت نگرفت. البته گفته می شد که در شب اول عملیات والفجر ۸ نیز سایت هاوک آماده نگر دیده بود.

ب) آخرین وضعیت سایت ها

طبق برنامه، دو سیستم سام و هاوک می بایست در منطقه مستقر می شد. اما به رغم تأکیدهای بسیاری که برادران محسن رضایی، فرمانده کل سپاه و رحیم صفوی، قائم مقام نیروی زمینی سپاه در آماده سازی و به کارگیری سیستم سام داشتند، این کار عملی نشد. ابتدا، نقص فنی و نداشتن دفترچه کد رمز سیستم موشکی سام، بحث اساسی آن بود، - که حتی هیئتی نیز برای رفع این معضل به کشور چین اعزام شدند - اما پس از مدتی که کار مهندسی سایت، به ظاهر آغاز شد، مشکل راه اندازی سایت "سام ۲" با پیچیدگی بیشتری روبه رو شد و بحث نداشتن تخصص ساخت "سایت تاکتیکی" نیز به آن افزوده گردید. ظاهراً حدود یک هفته قبل از عملیات، نقص فنی TR سام ۲ برطرف گردید و هیئت اعزامی به چین نیز بازگشت؛ اما ساخت سایت پس از تغییرات پی درپی نقشه مهندسی آن، تا پایان عملیات همچنان لاینحل باقی ماند و آن مقداری هم که ساخته شده بود، پس از بارش باران، در آب فرو رفت. سیستم هاوک نیز وضعیت بهتری از سیستم "سام ۲" سپاه نداشت. در طرح ریزی اولیه، آقای حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی و پس از آن سرهنگ بابایی، فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده قرارگاه رعد و سرهنگ اردستانی مسئول پدافند و آفند در منطقه، قول دو سایت هاوک با سه "های پاور" رزرو را مکرراً می دادند؛ اما همان گونه که در بحث "مهندسی ارتفاع بالا" گفته شد، از ساخت ۹ سایت هاوک، تنها یک سایت ناقص در شب عملیات تحویل داده شد.

ج) مهندسی ارتفاع پست

کار مهندسی بر روی سکوی سلاح های پدافندی ارتفاع پست، به سبب اینکه منطقه حالت طبیعی خود را

۱. تأکید بر استقرار سیستم ضد هوایی سام در حدی بود که برادر رحیم صفوی می گفت: «راه اندازی سایت سام، آبروی نیروی هوایی [سپاه] است و باید حتی اگر

شده جسد آن وارد منطقه عملیاتی شود.»

از دست ندهد و همچنین حفاظت آن رعایت گردد، دچار اشکالات متعددی بود. از یک طرف، ارتش در حد برآورد اولیه نتوانست توپ های خود را آماده کند و از سوی دیگر، به علت نرسیدن واحدهای مهندسی جهاد سازندگی مأمور به منطقه، این بحث مطرح بود که آیا سکوسازی باید بر طبق سیاست تمرکزی صورت گیرد و یا اینکه هر قرارگاه موظف شود در حیطه خود ساخت سکوهای پدافندی را تقبل کند که هر یک دارای محاسن و معایبی بود. در جلسات مهندسی پدافند نیز نتیجه و راه حل مناسبی پیشنهاد نشد. بنابراین، سردرگمی و پیچیدگی زیادی در کار حاکم شده بود. به ناچار علی شمخانی، فرمانده نیروی زمینی سپاه، یک هفته قبل از شروع عملیات، دستور توقف کار را تا تهیه کالک و برنامه جدید، صادر کرد. تهیه و ارائه برنامه جدید با بازنگری چند روزه در کل منطقه عمومی عملیات مصادف شد. به این علت و به دلیل مقدار شن ناکافی در منطقه، تا شب عملیات درصد زیادی از سکوها ساخته نشد و عملاً سردرگمی و هرج و مرج بسیاری برای استقرار توپ ها وجود داشت.

پشتیبانی هوایی

در زمینه پشتیبانی هوایی عملیات، هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت بمباران عقبه های دشمن و هلی کوپترهای هوایی مأموریت اجرای آتش نزدیک در خط را بر عهده داشتند.

مأموریت نیروی هوایی ارتش

علاوه بر بحث هایی که در زمینه چگونگی اجرای مأموریت هواپیماهای نیروی هوایی ارتش صورت گرفته بود - که در مقدمه به آن اشاره شد - در جلسه مشترکی که روز ۱۳۶۵/۹/۲۰ با حضور سرهنگ عباس بابایی، فرمانده نیروی هوایی ارتش و فرمانده کل سپاه برادر محسن رضایی برگزار گردید، ضمن بحث پدافند و بحث های جانبی دیگر، بحث اصلی، درباره انتخاب هدف ها و مشخص کردن اجزای کار بود. در این جلسه مقرر گردید که سه فروند اف ۱۴ مستقر در پایگاه امیدیه که مأموریت پدافند منطقه اهواز، دزفول و بندر امام را به

عهده داشتند، حوزه مأموریت شان را گسترش دهند و اگر اوضاع مناسب باشد، در منطقه مقابل منطقه عملیاتی - از خور موسی به سمت آبادان - به عنوان رهگیر و پدافند هوایی نیز اجرای مأموریت کنند. برادر محسن رضایی تأکید داشت که از آنها بیشتر در منطقه جنوبی کوشک و جزایه استفاده شود. همچنین، قرار شد هواپیماهای اف - ۱۴ هر روز با ۲۳ سورتی پرواز سمت چپ و راست منطقه عملیاتی را بمباران کنند. بر این اساس قرار شد روز اول عملیات، گره پایین منطقه قرارگاه نوح (پیچ مینو)، که به علت خطوط مواصلاتی مهم آن، محل تردد و پاتک سپاه هفتم دشمن است و منطقه استقرار توپخانه انبوه عراقی ها - در پایین شلمچه و مثلثی ها - می باشد، بنا به دستور بمباران کنند. سپس، چهارراه های جاده سوم و سیل بند مقابل آن، با توجه به میزان پیشرفت طرح، بنا به دستور بمباران شوند.

مأموریت های پایگاه های نیروی هوایی به این ترتیب مشخص شدند: پایگاه چهارم، سمت راست یعنی حد قرارگاه نجف را بمباران می کند. پایگاه پنجم، در وسط و چپ منطقه عملیاتی، مأموریت خواهد داشت و پایگاه ششم، کوت و ناصریه و صفان را مورد تهاجم قرار خواهد داد.

از جمله طرح ها، جهت فریب دشمن، جلب توجه او به منطقه فاو به عنوان منطقه اصلی عملیات بود. به همین منظور، طی جلسه هماهنگی با نیروی هوایی، قرار شد در روز اول چند فروند اف - ۱۴ با بمباران محل تجمع نیروی زرهی دشمن، در شمال فاو، به تقویت این فریب کمک کنند و با این کار از انتقال تجهیزات به پیچ مینو کاسته شود.

در جلسه مشترک سپاه با مسئولان نیروی هوایی ارتش، ضمن بحث درباره مسئولیت نماینده نیروی هوایی که می بایست در قرارگاه حضور فعال داشته باشد، سرهنگ عباس بابایی، فرمانده نیروی هوایی ارتش و فرمانده قرارگاه رعد سعی می کرد خود را به نحوی از مسائل کنار بکشد. البته، وی متقابلاً اظهار می کرد که حضورش در پایگاه، روی خلبان ها، در موقع پرواز و عملیات گردان های نگهداری، بسیار مؤثر است. از اظهارات سرهنگ بابایی احساس می شد که او

آمادگاه‌هایی که دارای پد هستند، همچون "برزگر" و دارخوین استفاده شود. برای این منظور، در تماس‌های اولیه در مورد این محل‌های انحرافی، بسیار تأکید می‌شد و وسایل به نحوی انتقال یابند که دشمن مطلع نشود در آینده‌ای نزدیک در هور عملیاتی صورت خواهد گرفت. در توجیه سرهنگ شالچی، فرمانده هوانیروز، گفته شده بود که می‌بایست اولویت و تقدم کار به جبهه جنوب داده شود و در این بین تنها سرهنگ انصاری به علت اینکه در دارخوین مستقر بود، توجیه شد که طوری عناصر و وسایل را به منطقه دارخوین انتقال دهد که دشمن تغییرات ایجاد شده را در نیابد. از طرف دیگر، اتصال خطوط مخابراتی پایگاه برزگر، که به عهده سپاه گذاشته شده بود، عمداً به تأخیر می‌افتاد که این عمل از جانب فرماندهی هوانیروز به عنوان کارشکنی و تخطئه هوانیروز تلقی می‌شد. در این خصوص، به آقای هاشمی رفسنجانی شکایت نمودند و با مخابره تلکسی به قرارگاه خاتم(ص)، از نیروی هوایی سپاه گله کردند، اما به لحاظ آگاهی فرماندهی سپاه از موضوع، مسئله خاصی به وجود نیامد و در جلسات بعدی نیز، با قدری تأکید بر گرایش بیشتر هوانیروز به سوی جنوب، بحث بر روی مشکل بکارگیری امکانات ادامه یافت. به طور کلی در این عملیات قرار شد، هوانیروز سه گروه اصفهان [با تجربه‌ترین گروه‌های هوانیروز]، کرمان و مسجدسلیمان را به کار گیرد. برآورد اولیه که می‌بایست با توجه به وضعیت منطقه و طرح عملیات تأمین می‌شد، به صورت زیر مشخص گردید:

نام	تعداد
هلی کوپتر شنوک	۲۱ فروند
هلی کوپتر ۲۱۴	۵۳ فروند
هلی کوپتر کبری مسلح به موشک تاو [Tow]	۲۲ فروند
هلی کوپتر ۲۰۵ و ۲۰۶	۱۰ فروند

طرح تقسیم قرارگاهی

نیروی هوایی سپاه بر خلاف روال عملیات‌های دیگر، در مورد چگونگی استفاده از امکانات هوانیروز طرحی

اعتماد چندانی به پایگاه در اجرای مأموریت‌های محوله - در صورت نبودن خودش - ندارد. وی تأکید می‌کرد: «پایگاه به راحتی هوایما را بلند نمی‌کند، مگر اینکه کسی باشد و مسئولیت را تقبل کند.»

سرهنگ بابایی، آقایان سرهنگ اردستانی، مسئول پدافند و آفند و سرهنگ غلامی، جانشین فرمانده قرارگاه رعد را به عنوان مسئولان پدافند و آفند در منطقه معرفی کرد. برادر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه اصرار داشت که سرهنگ بابایی در قرارگاه فرماندهی عملیات حضور داشته باشد.

انتقال مجروحان

با توجه به تعداد زیاد توپ‌های دشمن و آمادگی آنها و همچنین نزدیکی عقبه خودی به خطوط دشمن، پیش‌بینی می‌شد در جریان عملیات، نسبت به دیگر عملیات‌ها تلفات بیشتری داشته باشیم. بنابراین، در برآورد نیاز به هواپیماهای ترابری ارتش جهت حمل، مجروح، ۱۰۰ سورتی هواپیمای C-130 و ۱۰ سورتی هواپیمای ۷۰۷ در ده روز اول عملیات برای کمک به بهداری پیش‌بینی شد. البته، یک سری محدودیت‌ها در این زمینه، از تحرک و به کارگیری مطلوب وسایل می‌کاست. فرودگاه اهواز به علت تسلط رادارهای دشمن، صرفاً در شب می‌توانست سرویس دهد. پرواز هواپیمای ۷۰۷، بنا به اضطرار، از مسیر امیدیه تا بوشهر پیش‌بینی شد و همچنین به علت عدم وجود بیمارستان مجهز در امیدیه و بوشهر، ترافیک پرواز به امیدیه نسبت به دیگر پایگاه‌ها بیشتر خواهد شد و یا از امنیت منطقه خواهد کاست.

مأموریت هوانیروز

نیروی هوایی سپاه، یک ماه قبل از عملیات می‌بایست ضمن توجه به مسائل امنیتی و اطلاعاتی، نیازهای هلی کوپتری عملیات را برآورد می‌کرد. در تماس با فرماندهی هوانیروز ارتش، چه در منطقه و چه مرکز، نقطه فرضی هور را به عنوان ایجاد آمادگی و نقل و انتقال تجهیزات، به منطقه نزدیک‌تر به محل اصلی عملیات مشخص کردند و در این خصوص سعی شده بود از

کلی سپاه نیست. بنابراین، اولین گام را خود نیروی هوایی سپاه باید متناسب با توانایی هایش بردارد و در میدان جنگ است که می تواند رشد و تکامل یابد؛ بنابراین، حضور در صحنه جنگ، آموزش عملی، برای پرسنل رزمی محسوب می شود و در حال حاضر بهره دهی، نیز باید در حد تقاضاهای خواسته شده از آن باشد. در این میان، مسئله رقابت با سازمان دیگر مطرح نیست، بلکه به لحاظ عدم توجه به نحوه توجیه، بیش از فوق موجب بروز دوگانگی در سازمان نیروی هوایی سپاه شده است.

به لحاظ سیاستی که در مورد حفظ هلی کوپترهای شنوک اعمال می شد، هوانیروز از آنها فقط برای حمل مجروح استفاده می کرد و در صورت تقاضا و پذیرش فرمانده، این هلی کوپترها، به کارهای دیگر مأمور می شدند. برای تسریع در امر سرویس دهی به بیمارستان های صحرائی، برای هر بیمارستان یک افسر رابط برای انتقال درخواست ها منظور می شود و در کنار آن، مسئولیت پد فایندری^۳ نیز بر عهده اوست.

توجیه فرماندهی هوانیروز، یک روز قبل از عملیات

بنا به دستور فرمانده عملیات، قرار بود رابطین قرارگاه های سپاه، یک روز قبل از عملیات، رابطان و فرماندهان هوانیروز را به پدهایی که قبلاً نیروی هوایی سپاه شناسایی و مشخص کرده بود و همچنین به محل مأموریت شان توجیه کنند.

در ابتدا، جلسات هماهنگی و آشنایی رابطان، در قرارگاه صاعقه به سرعت آغاز شد و در ادامه جلسات، طرح با جزئیات بیشتری تشریح گردید و به تبع آن، گرایش کلی عملیات که در حد فاصل شرقی پنج ضلعی شلمچه تا جنوب جزیره مینو در منطقه خودی می باشد، برای فرماندهان هوانیروز مشخص شد. در حالی که تا آن لحظه ذهنیت آنها این بود که عملیات در منطقه هور صورت می پذیرد. بر همین اساس، اقدامات اولیه و تدارکاتی خود را در آن منطقه متمرکز ساخته بودند. افزون بر این، درک این امر که با آنها تا این لحظه یک

جدیدی را ارائه داد که اجرای آن علاوه بر از بین بردن اصطکاک های موجود، تسریع کار و بازگذاشتن دست فرماندهی قرارگاه ها را به همراه داشت. در این طرح، گروه هوانیروز "اصفهان" مأموریت پشتیبانی دو قرارگاه کربلا و نوح^۲ و گروه هوانیروز کرمان^۱ مأموریت پشتیبانی دو قرارگاه قدس و نجف^۳ را به عهده می گرفتند. هوانیروز مسجد سلیمان نیز به عنوان احتیاط عمل می کرد. از هر گروه، یک دسته هلی کوپتر کبری مأمور آتش پشتیبانی قرارگاه ها شد که بنا به تدبیر فرماندهی آن قرارگاه، بدون اینکه نیازی به ارتباط با دیگر سطوح فرماندهی داشته باشد، مورد بهره برداری قرار می گرفت و در کنار آن، دو رابط یکی از گروه هوانیروز برای انتقال تجهیزات مورد نیاز و رابط دوم از قرارگاه برای توجیه خلبان، در محل پد اضطراری، برای تصحیح آتش قرار می گرفتند. نیروی هوایی سپاه نیز فرد سوم را از خلبانان هلی کوپتر خود به دو منظور به رابطین افزود: نخست به لحاظ فنی و تخصصی، فرد مذکور می تواند رابط قرارگاه را در جهت بهره برداری هر چه بیشتر از امکانات هوانیروز یاری رساند. دوم، آموزش و تجربه اندوزی کارآموزان خلبانی هلی کوپتری سپاه. علاوه بر آن، در خلال کار با دادن مأموریت های شناسایی ویژه به خلبانان هلی کوپترهای ۲۰۵ و ۲۰۶ سپاه، به صورت عملی، هلی کوپترهای سپاه جایگاه ویژه ای همچون واحد پهپاد^۱ نیروی هوایی سپاه در جنگ به دست آورد. البته در این میان، خلبانان هلی کوپترهای سپاه درباره چگونگی استفاده از آنان در عملیات ها، مطالبی با این مضمون بیان می کردند که تاکنون هیچ گونه استفاده مناسبی از توان و کارایی آنها صورت نگرفته و کار در سطح یک کرویجف^۲ محدود شده است. آنها اضافه می کردند که این نوع استفاده، توجه نکردن به وجهه خلبانان سپاه در برابر هوانیروز ارتش است. در این خصوص شاید بتوان گفت که، چنین بحث هایی متأثر از عدم توجیه و تبیین صحیح حضور نیروی هوایی سپاه به هر شکل ممکن در صحنه جنگ است و اینکه نیروی هوایی، مقوله ای منفک از جریان

۱. پهپاد: پرنده های هدایت پذیر از راه دور

۲. کرویجف، به کسی گفته می شود که خلبانان دسته های آتش رانست به خط دشمن و نقاطی که باید آتش روی آن اجرا شود، توجیه می کند.

۳. مسئول پد فایندری، کسی است که مسئولیت شناسایی پد و هدایت فرود با اوست.

هستید و باید ما را در جریان اطلاعات می گذاشتید. همچنین، سرهنگ روحی پور می گفت: ما در دارخوین هیچ گونه محل قابل اطمینان برای استقرار سوخت، مهمات و نفرات نداریم. بعد از آن، ادامه جلسه بی فایده بود، بنابراین قرار شد با حضور برادر علی شمشخانی، فرمانده نیروی زمینی سپاه، یا برادر رحیم صفوی، جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه، مسائل هوانیروز مطرح و تصمیم گیری نهایی در قرارگاه خاتم (ص) صورت گیرد. به بیان دیگر، به علت عدم تسلط معاونت عملیات نیروی هوایی سپاه به طرح مانور، این طرح به گونه ای توجیه شد که این ذهنیت برای فرماندهی هوانیروز ایجاد گردید که با گرایش کلی عملیات به جنوب دارخوین، به ناچار می بایست از امکاناتی که در پایگاه برزگر مستقر کرده است، چشم پوشد و آن را یک امر منتفی شده بداند. با ترسیم چنین ذهنیتی، سرویس دهی گروه کرمان که در برزگر مستقر می شد، در ابهام فرو رفت و به تبع آن پشتیبانی دو قرارگاه قدس و نجف دچار ابهام شد.

علاوه بر آن، در صورتی که حتی حداقل وسائل مورد نیاز به دارخوین انتقال می یافت، در آن صورت، این منطقه با ازدحام تجهیزات و نیرو مواجه می شد و احتمال بمباران آن به وسیله دشمن بسیار بود. در حالی که در جلسه قرارگاه خاتم (ص) برادر رحیم صفوی با منتفی دانستن پایگاه برزگر و پیشنهاد افزودن محل پد المهدی (عج) که در عملیات والفجر ۸ مورد استفاده قرار گرفته بود، بسیاری از ابهامات که برخی متأثر از عدم تسلط معاونت عملیات نیروی هوایی بر طرح عملیات بود، برطرف شد.

برادر رحیم صفوی قائم مقام نیروی زمینی سپاه با تأکید بر استفاده از پایگاه برزگر 'خاطر نشان کرد که انتخاب پاسگاه برزگر با توجه به حساسیتی که در حفاظت منطقه وجود دارد، به عنوان یکی از محل های استقرار هوانیروز، یکی از سیاست های سپاه می باشد. با

برخورد اطلاعاتی دقیق شده است، برایشان بسیار سخت بود؛ طوری که ادامه جلسه به صورت طبیعی مقدور نبود.

در همین زمینه سرهنگ روحی پور، معاون فرماندهی هوانیروز، خطاب به برادر ریاحی، معاونت عملیات نیروی هوایی سپاه، اظهار داشت:

«درست است که اصل در عملیات، مسئله اختفا و فریب دشمن است؛ اما این طور که مشخص است این مسئله قبل از هر چیز دیگر، در مورد فرماندهی هوانیروز اجرا گردیده است.»^۱

فرماندهی هوانیروز، در مورد اشکالاتی که تغییر طرح مانور برای آنها به وجود آورده بود، اعتقاد داشت که تمامی تمرکز بر منطقه "برزگر" پیش بینی شده است و در این زمان محدود (یک روز قبل از عملیات)، پشتیبانی هوانیروز قدرت تطبیق با وضعیت جدید را ندارد. در حالی که سپاه در جلسات مقدماتی قبول کرده بود که ۴۸ ساعت فرصت بدهد تا هوانیروز بتواند امکانات خود را از آمادگاه های انتظار، به شکل پراکنده وارد منطقه عمومی کند.^۲ اما به علت جلو افتادن زمان اجرای عملیات، می بایست از امکاناتی که تا این لحظه وارد منطقه شده است و نیز آنچه تا روز بعد می رسد استفاده نمود.

با توجه به اظهارات سرهنگ روحی پور، معاون فرماندهی هوانیروز، تفهیم این موضوع که، احتیاج نیست هوانیروز مکان خود را تغییر دهد - بلکه دارخوین و برزگر به عنوان پایگاه های مرکزی همچنان حفظ شوند و تنها چند پد اضطراری در جلو برای عمل کرویجیف کافیسست و کارهای سوخت گیری و لویدگیری (مهمات گیری هلی کوپترهای کبرا) به لحاظ نزدیکی و کم بودن فاصله زمانی از خطوط اولیه از همان پایگاه ها با توجه به پراکندگی در فاز اول عملیات صورت گیرد - عملی نبود و سرهنگ شالچی، فرمانده هوانیروز تأکید می کرد که شما یگان مصرف کننده

۱. در جلسه توجیه فرماندهی هوانیروز در قرارگاه صاعقه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳، سرهنگ روحی پور فرمانده عملیات هوانیروز در اعتراض به شیوه اطلاعاتی سپاه در برخورد با نیروی هوایی، این مطلب را گفت.

۲. در بحث های اولیه قرار شد که هوانیروز گروه های خود را تا زمانی که سپاه اعلام نکرده به پایگاه های دزفول، امیدیه و اهواز انتقال دهد و برای عملیات، تجهیزات به صورت پراکنده و با فاصله زمانی توسط پشتیبانی از تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰ وارد دارخوین و برزگر شود؛ اما انتقال هلی کوپترها در دو مرحله صورت گیرد، که مرحله اول آن سه شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۲ و مرحله دوم، دو روز بعد از آن انجام شود.



این کار، نه تنها از تجمع تجهیزات در منطقه جلوگیری به عمل خواهد آمد، بلکه این امر از آسیب پذیری هوانیروز به هنگام شروع بمباران دشمن، به علت شناخته شده بودن دارخوین، خواهد کاست. برادر صفوی درباره عدم توجه دقیق طرح مانور و جلوگیری افتادن زمان عملیات و سیاست کلی سپاه خاطرنشان کرد:

«سپاه بنا به تدبیری که دارد، عمل می کند و در حقیقت، عملیات تابعی از شرایط

خاص جغرافیایی است که بر منطقه حاکم است. بنابراین، پیش بینی دقیق زمان برای ما نیز مقدور نیست. پس، بنا به این محذورات انتظار نداشته باشید ما زمان و تدبیر خود را مشخص کنیم.»^۱

نتیجه جلسه، این شد که گروه هوانیروز اصفهان در پدالمهدی (عج) مستقر شود و گروه مسجدسلیمان در "امر سواد" و گروه کرمان در "دارخوین" و هر سه گروه اصل پراکندگی را در منطقه رعایت کنند. پس از این جلسه، سرهنگ شالچی (فرمانده هوانیروز) به همراه سرهنگ روحی پور معاون فرمانده هوانیروز به منظور هدایت عملیات هوانیروز در قرارگاه فرماندهی سپاه مستقر شدند. در حالی که قبلاً اصرار بر این بود که سرهنگ روحی پور هدایت عملیات را بدون حضور سرهنگ شالچی به عهده بگیرد.

شرح عملیات

شرح عملیات پدافند هوایی

الف) پدافند ارتفاع پست

نیروی هوایی سپاه، سلاح در خور توجه برای پدافند ارتفاع پست در اختیار نداشت و تیپ ۲۳ صف نیز تازه

تأسیس شده بود و به لحاظ کمبود نیرو و تجهیزات، کارایی آن در حد یک تیپ پدافندی نبود، به طوری که از ۲۵ قبضه توپ ۲۳ میلیمتری خود، تنها ۱۵ قبضه را به منطقه وارد کرد که آن نیز دارای نیروی احتیاط نبود و اگر دشمن منطقه را بمباران شیمیایی می کرد، به طور کلی از رده خارج می شد. تیپ ۱۰ محرم با استقرار ۲۳ قبضه، از نیروی زمینی به نیروی هوایی مأمور شده بود که قرار شد به صورت متمرکز در نقاط حساس پل دارخوین، پد هلی کوپتر، انرژی اتمی، بیمارستان امیرالمومنین (ع) تا سه راه ایستگاه ۷ و سه راهی کارون - بهمین شیر به کار گرفته شود.

در برآورد پدافند، نیروی هوایی ارتش تقبل کرده بود که سه یگان "راپیر" را برای عملیات آماده سازد. در این خصوص آقای حسن روحانی، رئیس ستاد قرارگاه خاتم و دبیر شورای امنیت ملی، اظهار داشته بود که این بار سعی شده موشک راپیر را با طرح "بلندفایر" به کار گیرند که حداقل، گذشته از استفاده پوششی و تاکتیکی رادار آن، بتوان در روزهای ابری نیز از سیستم جدید استفاده کرد. از این سه یگان، تا شب عملیات دو یگان آماده شد؛ اما تا پایان عملیات وارد منطقه نگردید و

۱. به دنبال تماس هایی که آقای حسن روحانی با آقای هاشمی رفسنجانی گرفت، آقای هاشمی در تماس با نیروی هوایی سپاه گفته بود اگر سرهنگ شالچی در شب عملیات به قرارگاه فرماندهی سپاه برای هدایت و کنترل هوانیروز نیاید، بهتر است اما با شرطی که برادر محسن رضایی برای همکاری با هوانیروز قائل شد، به ناچار سرهنگ شالچی با اینکه روحی پور را به عنوان مسئول هدایت عملیات برای قرارگاه فرماندهی تعیین کرده بود، خود نیز در شب عملیات در قرارگاه حضور یافت.

روشن کردن عملکرد آقای روحانی یک گزارش کتبی در همین زمینه تهیه و ارسال کند.

شرح عملیات پشتیبانی هوایی

۱. هواپیمایی

نیروی هوایی ارتش در زمینه پشتیبانی هوایی، تنها با به کارگیری هواپیماهای اف - ۱۴ برای کاهش عملیات های هواپیماهای دشمن، تا حدودی موفق بود؛ به طوری که دشمن در روز اول عملیات، فقط ۱۴ سورتی پرواز داشت، در حالی که در پایگاه های نزدیک به منطقه، ۵۰۰ فروند هواپیما مستقر کرده بود. افزون بر این، به سبب وجود مه غلیظ در ارتفاع پایین از اولین ساعات بامداد تا ساعت ۸/۵ صبح و از ساعت ۱۵ به بعد - بمباران اهداف مورد نظر طی روز اول انجام نشد و در نتیجه پل ام القصر که جاده ارتباطی سپاه هفتم را به دیگر مناطق مرتبط می ساخت، قطع نگردید. این، در حالی بود که اگر عملیات ادامه می یافت، این پل می توانست نقش مهمی در پاتک های سپاه هفتم عراق ایفا کند. به طور کلی، فقط حوالی پیچ جزیره مینو بمباران شد و پروازهای انجام شده از چهار سورتی تجاوز نمود. گذشته از تأثیر اوضاع جوی، اصولاً عملیات نیز به آن گستردگی که پیش بینی می شد، نرسید. بنابراین، ضرورت بمباران در عمق منتفی شد.

۲. هلی کوپتر

در روز عملیات، هر چهار قرارگاه توانستند از پشتیبانی آتش هلی کوپترهای کبرا استفاده کنند. فقط در منطقه قرارگاه نوح، به علت عدم همکاری رابط مأمور به این قرارگاه با رابطین نیروی هوایی سپاه و هوانیروز، آتش کور بود و خلبانان هلی کوپترها توجیه نمی شدند.

۳. تخلیه مجروحین

تخلیه مجروح در روز اول با قدری تأخیر - به علت وخامت اوضاع جوی و دیر رسیدن رابط بهداری گروه کرمان - آغاز شد و در مجموع، هلی کوپترهای شنوک، ۹ سورتی پرواز از ۳ بیمارستان منطقه داشتند. البته به علت مشکلاتی که در زمینه سوخت آمبولانس های بهداری

استفاده ای از آن به عمل نیامد. وضعیت پدافند پس از روز دوم عملیات به گونه ای اسف بار بود که فرمانده تیپ ۱۰ محرم در پایان گزارش کار یگان خود، چنین گفت:

«باید خدا را شکر کنیم که عملیات در این مرحله ختم شد. چراکه قبل از به کارگیری توان دشمن، پراکندگی طرح گسترش پدافند و بی مسئولیتی آن و عدم پیگیری اصولی، موجب ضربه خوردن بسیار می باشد.»

ب) پدافند ارتفاع بالا

همان طور که در مبحث مهندسی ذکر گردید، نه تنها احداث سایت سام ۲، به علت مشکلات متعددی که وجود داشت، متوقف گردید، بلکه در چگونگی راه اندازی این سیستم پیچیدگی های مختلفی وجود داشت؛ طوری که به کارگیری این سیستم در این عملیات منتفی گردید.

از طرف دیگر، از ۹ سایت هاوک که قرار بود احداث شود، در شب عملیات تنها یک سایت ناقص تحویل داده شد و از ۲ سیستم هاوک که قرار بود در عملیات کربلای ۴ به کار گرفته شود، ابتدا یکی از آنها در پایگاه از کار افتاد و دومی نیز به علت تغییر زمان شروع عملیات با تأخیر به منطقه رسید و پس از رفع اشکالات ارتباطی آن بارادار بندر امام توسط مخابرات نیروی هوایی سپاه، تا دو روز پس از عملیات، راه اندازی نشد و زمانی که اطلاع داده شد سیستم های پاور آن فعال شده است به علت نامناسب بودن اوضاع جوی، حتی یک موشک هم شلیک نشد و روز سوم به دستور آقای روحانی، مسئول ستاد کل پدافند، برخلاف مصوبه ستاد قرارگاه خاتم که می بایست تا چند روز پس از عملیات، سیستم هاوک در منطقه باشد؛ این سیستم بدون کوچک ترین بازدهی از منطقه خارج گردید.

البته در تماسی که برادر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء گرفت، آقای هاشمی به طور ضمنی گفت که این کار را جبران خواهد کرد. برادر رضایی معتقد بود که آقای روحانی ذهنیتی علیه سپاه در آقای هاشمی به وجود آورده است لذا بهتر است نیروی هوایی سپاه برای

مستقل یا به صحنه جنگ می گذاشت و بیش از دو ماه از عمر آن نمی گذشت. بنابراین، در تحلیل و جمع بندی عملکرد این قرارگاه باید نوپا بودن آن مد نظر قرار گیرد و با توجه به این امر، قضاوت صورت گیرد. برای رشد توانایی های این نیرو و باید زمینه های عملیاتی که بتواند بر اساس آن سازمان رزم خود را گسترش دهد، در اختیار آن قرار گیرد. در حالی که در عملیات کربلای ۴ این قرارگاه با بی مهری های بسیار در زمینه پشتیبانی مواجه بود. نخست، ابهام در مأموریت، دست نیروی هوایی سپاه را در پیگیری نابسامانی های به وجود آمده در پدافند بسته بود. برخورد آقای روحانی در خصوص نیروی هوایی و هوانیروز و ناهماهنگی های ناشی از آن را نیز باید به آن افزود. از یک سو، در اذهان چنین جا افتاده بود که مسئولیت کنترل عملیاتی پدافند با نیروی هوایی است و از سوی دیگر در پیگیری علل تأخیر در امور راه اندازی سیستم راپیر و هاوک پاسخ داده می شد که یگان های عمل کننده تنها در برابر سازمان خود و ستاد کل پدافند جواب گو هستند. بنابراین، نیروی زمینی سپاه گذشته از درگیری هایی که با مسئول پدافند نیرو داشت، ترجیح می داد که مسئولیت پدافند، همانند عملیات والفجر ۸ بر عهده ارتش باشد و معتقد بود که ارتش مأموریتش را به خوبی انجام داده است و با قبول مسئولیت از جانب نیروی هوایی سپاه، با توجه به اینکه ارتش تمایل به همکاری ندارد، موجب ضربه خوردن به کل جریان خواهد شد. بنابراین، قرارگاه صاعقه به علت کمبودهای خود در زمینه پشتیبانی، مهندسی، بهداری، پرسنلی و نیز ضعف شدید برنامه ریزی و مدیریت - که تمامی آنها را از دریچه نوپا بودن آن باید نگریست - دچار مشکل شد؛ اگر چه در این میان تجارب زیادی اندوخت.

ب) گزارش عملیات کربلای ۵*

مقدمه

بعد از عملیات کربلای ۴ - که به خاطر برخی مشکلات متوقف گردید - طی جلسه ای که در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۸ با حضور فرمانده کل سپاه، محسن رضایی و نیز فرمانده نیروی هوایی سپاه تشکیل گردید، فرمانده نیروی هوایی

وجود داشت، اولویت تخلیه مجروحان بدخیم که قرار بود با هلی کوپتر منتقل شوند، رعایت نشد و این خود از بازدهی مطلوب هلی کوپترهای شنوک کاسته بود. حتی در شب دوم به رغم نداشتن آموزش پرواز در شب، بنا به دستور سرهنگ انصاری، فرمانده گروه اصفهان، سه سورتی تخلیه مجروح در شب از بیمارستان امیرالمومنین (ع) صورت گرفت که این عمل در کاهش فشار بسیار مؤثر بود. محدودیت های دیگری که در کار هلی کوپترهای شنوک وجود داشت، حضور مداوم هواپیماهای دشمن در منطقه و نبودن امنیت پرواز بود، چه اینکه چند فروند از این نوع هلی کوپترها می بایستی پس از سوخت گیری از فرودگاه اهواز پرواز می کردند که به علت نبودن امنیت، سوخت گیری با تأخیر انجام می شد. در زمینه انتقال مجروحان از امیدیه به تهران و شهرهای دیگر، هواپیماهای C-130 بیش از ۱۰ سورتی تخلیه مجروح داشتند که بنا به توافق قبلی، که بر اساس آن می بایست در ۱۰ روز اول عملیات ۱۰۰ سورتی پرواز C-130 صورت می گرفت، تعداد پروازهای انجام شده در حد مطلوب بود. می توان گفت کار پشتیبانی هوانیروز و تخلیه مجروح، به طور نسبی با موفقیت صورت گرفت.

۴. پهباد

پرنده های هدایت پذیر از راه دور و بدون سرنشین نیروی هوایی سپاه، برای عکس برداری از خطوط عملیاتی آماده شده بودند، اما به علت توقف عملیات، ضرورت استفاده از این پرنده ها منتفی شد.

جمع بندی از نارسایی های قرارگاه صاعقه

قرارگاه صاعقه، قرارگاه مقدم نیروی هوایی سپاه بود که مأموریت کنترل عملیات پدافند منطقه عملیاتی و هماهنگی عملیات با نیروی هوایی و هوانیروز ارتش را بر عهده داشت. قرارگاهی که موظف می شود کنترل عملیات پدافند را بر عهده گیرد اصولاً می بایست از برترهائی برخوردار باشد؛ و یا اینکه حداقل سازمان ستادی و رزم آن به طور نسبی تدوین و تشکیل شده باشد. قرارگاه صاعقه برای اولین بار بود که به طور

* سند شماره ۶۶۲ آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

ارتفاع بالا جایگاه ویژه ای در این نیرو داشتند و در واقع هویت آن را شکل می دادند، ستاد کل پدافند کشور با اصرار و جدیت زیاد سعی داشت پدافند نیروی هوایی سپاه را تحت کنترل عملیاتی خود در آورد.

به منظور مقابله با جریان فوق و مسائلی از این قبیل، در جلسه فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی هوایی تصمیم گرفته شد که برای رفع تشنجات و اصطکاک های بین مسئولان پدافندی نیروی زمینی و هوایی سپاه، مسئولیت پدافند توپخانه به برادر محمدعلی احمدی، مسئول پدافند نیروی هوایی سپاه، - که به لحاظ تمایلاتی که به ستاد کل پدافند و نیز ارتش داشت و تا این لحظه نتوانسته بود کار مشترک و مطلوبی با نیروی زمینی سپاه داشته باشد - سپرده شود و به طور سازمانی در اختیار نیروی زمینی سپاه قرار گیرد، اما در طول عملیات تحت کنترل عملیاتی نیروی هوایی قرار داده شود. این تصمیم دارای دو ویژگی بود: اولاً با انتقال برادر احمدی به سازمان نیروی زمینی، تشنجاتی که از ناحیه ایشان به لحاظ تأثیرپذیری از جریانات ستاد کل به وجود آمده و تا حدودی موجب جناح بندی ها شده بود محدود می شد، ثانیاً با رفتن واحد پدافند ارتفاع پست^۱ نیروی هوایی سپاه به سازمان نیروی زمینی، دیگر عملاً زمینه ای برای اعمال نفوذ و کنترل ستاد کل پدافند وجود نداشت.

علاوه بر مسئله فوق، در این جلسه فرمانده کل سپاه بر نکاتی که موجب تقویت و رشد سازمان نیروی هوایی سپاه می شد از جمله: برنامه ریزی در جهت تقویت و رشد هر چه سریع تر سازمان موشکی، تقویت سازمان رزم به ویژه در ابعاد عملیات، اطلاعات، جنگ الکترونیک و شناسایی، تأکید نمود و با اصرار بر تمرکز توان برای رشد زمینه های فوق، اضافه کرد که نیروی هوایی سپاه باید در این زمینه ها خود را به درجه ای برساند که بتواند در کنار دیگر مراکز به ویژه ستاد کل پدافند و نیز سازمان ارتش به عنوان صاحب نظر مطرح شود. به عنوان نمونه، بحث به کارگیری پدافند هوایی به جای پدافند موشکی که نیروی هوایی سپاه آن را در عملیات کربلای ۴ ارائه داد یک بحث کارشناسی بود و نتیجه آن نیز با حضور چند فرزند اف - ۱۴ در تقلیل

برادر موسی رفان در این جلسه، وضعیت نیروی هوایی و ضعف های تشکیلاتی و رزمی آن را بیان کرد و در نهایت توافق شد که وی برای پی گیری مسایل نیرو به تهران برود و کار در منطقه عملیاتی و حضور نیرو در صحنه جنگ بر عهده معاون عملیات نیرو، یعنی برادر رسول یاحی واگذار گردد.

معاون عملیات نیروی هوایی بر این اعتقاد بود که در عملیات کربلای ۴ آن گونه که انتظار بود واحدهای دیگر نسبت به حضور نیروی هوایی در جنگ حساسیت نشان ندادند و در این زمینه همکاری لازم نیز انجام نگرفت. این در حالی بود که فرمانده نیروی هوایی در منطقه حضور فعال داشت، حال با توجه به تصمیم اتخاذ شده برای رفتن وی به تهران، نیروی هوایی سپاه در عملیات آتی - کربلای ۵ - با مشکلات و پیچیدگی بیشتری نسبت به رفع معضلات خود مواجه خواهد شد.

مسئله دیگری که از اهمیت بیشتری برخوردار بود و فرماندهی نیروی هوایی باید نسبت بدان تصمیم گیری به عمل می آورد، مسئله چگونگی و نحوه شرکت و حضور این نیرو در عملیات بود. به طور کلی در این زمینه دو بحث مطرح گردید: نخست اینکه آیا نیروی هوایی سپاه با توجه به عملکردش در عملیات کربلای ۴، می خواهد به عنوان یک نیرو از مجموعه فرماندهی قرارگاه خاتم(ص) عمل کند؟ یا به عنوان عنصری از فرماندهی خاتم به منظور هماهنگی بین سپاه و دیگر نهادهای مربوطه حاضر در جنگ به ویژه نیروی هوایی ارتش و هوانیروز فعالیت خواهد داشت. دیدگاه اول به لحاظ اینکه مستلزم وجود تشکیلات منسجم بود و نیروی هوایی نیز در این مقطع فاقد امکاناتی در این سطح بود، قابل اجرا نبود؛ بنابراین شق دوم انتخاب گردید.

مسئله دیگری که می بایست مورد بررسی قرار می گرفت، موضوع ستاد کل پدافند بود. این ستاد بر مبنای اهداف خود و نیز مسئولیت هایی که از بدو تشکیل به آن محول شده بود، در پی کنترل تمام مراکز و نهادهایی بود که دارای سازمان پدافندی بودند و در این راستا کار این ستاد با توجه به عناصر تشکیل دهنده آن ابعاد سیاسی نیز یافت. از طرفی به لحاظ ساختار جاری نیروی هوایی سپاه که دو مقوله پدافند ارتفاع پست و

۱. این وضعیت تا قبل از اینکه دیگر قسمت ها و واحدهای این نیرو شکل نهایی خود را به دست آورد و به مرحله عمل برسد، مشخصه و معرف این نیرو بود.

انجام آن، با کار به صورت جدی و پیگیرانه برخورد خواهند کرد یا خیر؟

به هر حال در ادامه کار و بعد از بررسی جوانب مختلف آن و با توجه به اینکه نیروی هوایی ارتش وضعیت مستقلى داشت و نیروی هوایی سپاه نیز در حال شکل دهی به تشکیلات تیپ ۲۳ صف خود بود و کار به طور عملی در دست پدافند نیروی زمینی سپاه بود، با هماهنگی نیروی هوایی ارتش و نیروی زمینی سپاه، طرح گسترش پدافند تهیه شد. در این طرح گرایش کلی در به کارگیری هر چه بیشتر از استعداد توپ های ۳۵ میلی متری اورلیکن که هم دارای کادر مجرب و هم دارای آتش مؤثر بود، استوار شد و سعی بر این بود که در طرح ریزی، نقاط مهم و استراتژیک، توسط این توپ ها تحت پوشش قرار گیرند. بر این اساس، در برآوردها حدود پنجاه توپ اورلیکن پیش بینی شد که ارتش می بایستی تأمین قسمت عمده آن را تقبل می کرد.

طرح گسترش پدافند ارتفاع بالا

در طرح گسترش پدافند، علاوه بر آنچه ذکر گردید، در زمینه پدافند ارتفاع بالا، بر آورد شد که ارتش دو سایت هاوک [موشک سطح به هوا] و سه یگان موشک راپیر را در منطقه عملیاتی به کار گیرد. در کنار این بر آورد، برادر موسی رفان، فرمانده نیروی هوایی سپاه، در جلسات اولیه قبل از عملیات قول داد که این نیرو بتواند سیستم موشک ضد هوایی HQ2 (ساخت چین) و سایت تاکتیکی آن را در منطقه به مرحله عملیاتی برساند. در صحبت هایی که فرمانده یگان های زرهی در این زمینه مطرح می کردند، به نظر می آمد که از صحبت های برادر رفان این گونه تعبیر می شود که سایت موشکی HQ2 - که به علل فنی در عملیات کربلای ۴ عملیاتی نشده بود - دیگر مشکلی نداشته و یقیناً به کار گرفته خواهد شد.

مهندسی

ساخت سکوهاى پدافندی و سایت های موشکی در منطقه عملیاتی، طبق طرح، به مهندسی قرارگاه خاتم سپرده شد که بنابر شناسایی موقعیت زمینی و شرایط استراتژیکی سکوهاى تعیین شده، مقرر شد تعداد هشت

فعالیت هواپیماهای دشمن به اثبات رسید. بنابراین نیروی هوایی تا زمانی که به این درجه از رشد و کمال خود نرسیده بود همچنان به عنوان نیروی کارآمد و مطرح در تصمیم گیری هایی که در جنگ صورت می گرفت، مطرح نشد.

مأموریت نیروی هوایی سپاه

با توجه به مسایلی که در مقدمه ذکر گردید، مأموریت اصلی نیروی هوایی سپاه در عملیات کربلای ۵ تهیه طرح پدافند عملیاتی و بکارگیری و عملیاتی کردن سایت موشکی ضد هوایی HQ2 بود. این نیرو در ارتباط با نیروی هوایی ارتش تنها نقش رابط و انتقال دهنده درخواست های فرماندهی جنگ به آنها را داشت. ارتباطش با هوانیروز هم بیش از این نبود و بیشتر به عنوان رابط و گاهی هماهنگ کننده محسوب می گردید. پدافند ارتفاع پست این نیرو همچنان که گفته شد به نیروی زمینی سپاه مأمور گردید. نقش نیروی هوایی سپاه در ارتباط با نیروی هوایی ارتش و هوانیروز به هنگام بیان مأموریت هر یک، مفصلاً شرح داده خواهد شد. لذا در این قسمت به توضیح مأموریت های اصلی نیروی هوایی سپاه اکتفا می کنیم.

طرح گسترش پدافند ارتفاع پست

در پی ابلاغ دستور تهیه طرح پدافندی منطقه عملیاتی کربلای ۵ به نیروی هوایی سپاه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۶ فرماندهی این نیرو درباره نحوه اجرای دستور با ابهامات عدیده ای مواجه بود که بیشتر در سیاست کلی پدافند کشور و جریاناتی که سعی داشتند آن را به دست گیرند، ریشه داشت. از این رو مشخص نبود اگر نیروی هوایی سپاه رأساً به تهیه طرح پدافندی اقدام کند، در زمان اجرا، ارتش در مواضع مشخص شده، مستقر می شود یا نه؟ همچنین اگر سپاه مأموریت تهیه طرح را به نیروی هوایی ارتش و ستاد کل پدافند واگذار می کرد، مستلزم توجه دقیق آنان به طرح عملیاتی بود که این امر با شیوه کار حفاظتی و تدبیر سپاه در این زمینه مغایرت اصولی داشت و افزون بر این برای فرماندهی نیروی هوایی سپاه نیز مشخص نبود که آیا آنان در صورت

نیروی هوایی ارتش در این عملیات به طور کلی عهده دار سه وظیفه و مأموریت عملیات آفندی، عملیات پدافندی و تخلیه و ترابری مجروحان شد.

۱. عملیات آفندی

در هماهنگی های اولیه که بین سپاه و نیروی هوایی ارتش به عمل آمد، مسئولان این نیرو تقبل کردند که در درجه نخست پایگاه های شکاری امیدیه و دزفول برای عملیات آفندی به کار گرفته شوند و در هر پایگاه، دو تن از برادران واحد هواپیمایی نیروی هوایی سپاه برای ایجاد ارتباط و هماهنگی بیشتر و مستمر از بدو عملیات تا پایان آن، مستقر شوند. استعدادی که نیروی هوایی ارتش در اختیار جنگ می گذاشت، همان تجهیزاتی بود که در عملیات کربلای ۴ به کار گرفته شد که با تغییراتی اندک، در بخش عملیات تشریح خواهد شد. تعداد سورتی هایی که توافق شد نیروی هوایی برای سرویس دهی آتش و بمباران انجام دهد، ۲۳ سورتی در روز بود که توسط جنگنده بمب افکن های اف. ۴ و اف. ۵ صورت می گرفت.

۲. عملیات پدافندی

به علت عدم کاربرد جنگ افزارهای پدافندی همانند توپ های اورلیکن در عملیات کربلای ۴ و در نتیجه آماده بودن آنها در فاصله زمانی بین دو عملیات، تجهیزات پدافندی نیروی هوایی ارتش با آمادگی و آرایش مناسب تری وارد منطقه عملیاتی می شد و در این خصوص به ترتیب، توپ ۳۵ میلیمتری اورلیکن، ۱۷ قبضه، دو سیستم رایپر و دو سیستم موشکی هاوک آماده شده بود که قرار بود همگی طبق طرح گسترش پدافندی که مشترکاً تهیه شده بود، در منطقه عملیاتی گسترش یابند.

۳. تخلیه و ترابری مجروحان

قرار شد هواپیماهای ترابری C-130 نیروی هوایی ارتش، مأموریت حمل مجروحان را از فرودگاه های امیدیه و اهواز به شهرهای دیگر انجام دهند. در منطقه عملیاتی به طور کلی دو بیمارستان امام

سایت موشکی هاوک ساخته شود. محل ساخت سایت های هاوک به طور مشخص از سوی عناصر نیروی هوایی ارتش، منطقه یابی شد و برای اجرای کار به مهندسی خاتم ابلاغ گردید. از هشت سایت فوق، فقط در دو سایت، سیستم هاوک مستقر می شد و بقیه سایت ها به عنوان سایت فریب و احتیاط در نظر گرفته شدند که مأموریت پی گیری کار مهندسی سایت ها و سکوی های توپ پدافندی بر عهده نیروی هوایی سپاه گذاشته شد.

مأموریت نیروی هوایی ارتش

نیروی هوایی ارتش در ابتدای امر اعلام کرد که در عملیات به صورت مستقل عمل خواهد کرد و به دنبال آن آقای دکتر حسن روحانی، رئیس ستاد فرارگاه خاتم از جانب فرماندهی عملیات نیروی هوایی ارتش به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس عالی جنگ و فرمانده فرارگاه خاتم اطلاع داد که ارتش موافق نیست تحت کنترل عملیاتی سپاه کار کند و بیشتر در پی آن است که در عملیات مستقل باشد و لذا خود را در نقاط مورد نظر سپاه محدود نخواهد کرد.

بدین لحاظ در بحث هایی که صورت گرفت، قرار بر این شد که فرارگاه رعد (فرارگاه نیروی هوایی ارتش) تحت امر فرارگاه خاتم باشد، بنابراین همان خواسته آقای روحانی محقق گردید و فرارگاه صاعقه (فرارگاه نیروی هوایی سپاه) در این بین نقش رابط و انتقال دهنده نظرها و خواست های فرماندهی جنگ را یافت.

بدین ترتیب نیروی هوایی سپاه صرفاً چند عنصر را به عنوان رابط در دو پایگاه امیدیه و دزفول مشخص کرد تا آنان نقاط مورد نظر را که با کد رمز دریافت می شد، کشف کرده و به مسئولان اجرایی پایگاه انتقال دهند. گذشته از این مسئله، در فرارگاه خاتم نیز یک افسر رابط از نیروی هوایی ارتش حضور یافت تا هر روز نقاط مورد نظر فرماندهی خاتم را به پایگاه های عملیاتی ابلاغ کند و همچنین با ارتباطی که با دیدبان های توپخانه سپاه برقرار خواهد کرد، نحوه اجرای بمباران ها و موفقیت یا عدم موفقیت آنها را کسب نموده و برای اجرای مناسب تر عملیات به ستاد فرماندهی نیروی هوایی ارتش منتقل کند.

هوانیروز بر عهده معاونت عملیات است و باید این معاونت نیز توجیه گردد، که با برگزاری جلسه بین نیروی هوایی سپاه و هوانیروز این مسئله حل گردید.

توان، مأموریت ها و طراحی اجرای آن

به طور کلی در خصوص به کارگیری توان رزمی و ترابری هوانیروز مشکلی وجود نداشت، زیرا در عملیات کربلای ۴ تجهیزات آن با خساراتی مواجه نشده بود و آنها در این مدت به خوبی توانسته بودند امکانات خود را به این منطقه انتقال دهند. شیوه ای که هوانیروز به کار گرفت با قدری تغییرات جزئی همان شیوه و روش عملیات کربلای ۴ بود، به این ترتیب که این نیرو تجهیزات خود را در سه زمینه آتش، ترابری و حمل مجروح تفکیک کرد که آنها تماماً از گروه های اصفهان، کرمان و مسجد سلیمان تأمین می گردیدند. دو گروه اصفهان و کرمان بنابر اولویت، عمل کننده بودند و گروه مسجد سلیمان به عنوان نیروی احتیاط و پشتیبانی در طرح هوانیروز مورد بهره برداری قرار می گرفت.

امکانات و گروه های هوانیروز بنابر نوع تقسیم بندی منطقه و قرارگاه ها تفکیک شد تا در آن حوزه فعالیت کنند. مقر و ستاد اصلی در دارخوین مستقر گردید که به ترتیب مقر گروه اصفهان در انرژی اتمی، کنار اردوی لشکر علی بن ابی طالب (ع) و تیپ قمر بنی هاشم و مقر گروه کرمان در ام سواره بود. هر گروه تحت امر یک قرارگاه قرار داشت. گروه اصفهان تحت امر قرارگاه کربلا و گروه کرمان تحت امر قرارگاه قدس بود. همچون شیوه عملیات کربلای ۴، از هر یک از قرارگاه ها یک رابط جهت هماهنگی و ارائه آخرین اطلاعات از نیروهای خودی و دشمن و تعیین اهداف برای گروه آتش مشخص شد. مقر شد نیروی هوایی سپاه هر روز صبح آخرین وضعیت دشمن و آرایش آن را به هر دو گروه ارائه کند و رابط ها برای هماهنگی و هدایت آتش فعال باشند و از طریق بی سیم با هلی کوپتر تک کننده تماس برقرار کنند تا آتش مؤثری اجرا شود. همچنین قرار شد قبل از اجرای مأموریت هر گروه در پد توجیهی خود، توسط رابط سپاه و مسئول گروه نسبت به وضعیت دشمن و محلی که باید عملیات اجرا گردد

حسین (ع) و علی بن ابی طالب (ع) به عنوان دو مرکز عمده تخلیه مجروحان مشخص شد تا هلی کوپترهای شنوک و ۲۱۴ مجروحان را از این دو نقطه به بیمارستان شهید بقایی اهواز و امیدیه انتقال دهند و در هنگام شب ضمن توجه به حساسیت منطقه و حضور هواپیماهای دشمن، هواپیماهای C-130 مجروحان را از اهواز به شهرهای دیگر منتقل کنند. تا قبل از عملیات کربلای ۴، فرودگاه اهواز به دلیل بمباران های دشمن متحمل خسارات زیادی شده بود و عمدتاً باندهای آن قابل استفاده نبودند اما با نزدیک شدن عملیات کربلای ۴ و احساس نیازی که به فعالیت مجدد این فرودگاه وجود داشت، از سوی فرمانداری اهواز باندهای آن ترمیم گردید اما به علت حضور هواپیماهای دشمن در منطقه و نبود امنیت پرواز، نیروی هوایی اجازه یافته بود تا تنها در شب به طور بسیار محدود مجروحان را با پروازهای C-130 حمل کند که آن هم در عملیات کربلای ۴ به علت محدودیت عملیات و توقف آن مورد بهره برداری قرار نگرفت. در عملیات کربلای ۵، فرودگاه اهواز برای تخلیه مجروحان آماده شد و برای اجرای صحیح و هماهنگی در کار، یک رابط از بهداری مشخص گردید و قرار شد فردی از نیروی هوایی سپاه به عنوان هماهنگ کننده کار در کنار افسر رابط هوایی هوانیروز، این دو بیمارستان را سرویس دهند. افسر رابط هوایی از طریق سه دسته گروه سیار مخابرات، پد بیمارستان ها را هدایت می کرد.

مأموریت هوانیروز

توجیه مأموریت

برای زدودن سوء تفاهماتی که از برخورد اطلاعاتی سپاه با فرماندهی هوانیروز در عملیات کربلای ۴ به وجود آمده بود، این بار نیروی هوایی سپاه برای ایجاد هماهنگی عملیاتی با هوانیروز و توجیه آن به نوع طرح و نیز برآوردهایی که می باید از مقدار نیاز به آتش و سورتی پرواز های هوانیروز انجام می داد، فقط سرهنگ شالچی، فرمانده هوانیروز، را به منطقه توجیه کرد که این امر از سوی معاونت عملیات هوانیروز با سردی پذیرفته شد و حتی عنوان می گردید که اجرای عملیات

بحث استفاده از موشک های خریداری شده چینی HQ2 را نیروی هوایی سپاه هم زمان با اولین روزهای طرح ریزی عملیات کربلای ۴ مطرح کرد که حتی TR و چهل فروند موشک آن هم به اهواز انتقال داده شده بود، اما در این مورد دو مشکل اساسی وجود داشت؛ نخست عدم تخصص و تجربه لازم در ساخت سریع سایت های تاکتیکی سیستم HQ2 که برای اولین بار تجربه می شد، و دیگری تخصص لازم در به کارگیری تکنولوژی سیستم آتش که کد و رمزهای آن وجود نداشت. بنابراین در هر دو زمینه اقدام شد و حتی دو گروه از عناصر نیروی هوایی برای آموزش در چند بخش مهم این سیستم به کشور چین اعزام شدند، اما پس از بازگشت نتوانستند سیستم را عملیاتی کنند و این اشکال همچنان تا عملیات کربلای ۵ باقی بود. برادر رفان، فرمانده نیروی هوایی سپاه، در بحث های اولیه ای که درباره طرح کربلای ۵ صورت می گرفت، شفاهاً قول عملیاتی شدن این سیستم را در عملیات کربلای ۵ داد. برای بسیاری از فرماندهان سپاه مسلم شده بود که اشکالی در زمینه بکارگیری سیستم موشکی HQ2 وجود ندارد و سپاه در این عملیات از آن استفاده خواهد کرد، به طوری که آنان در چند سخنرانی خود نیز این مطلب را عنوان کردند. در حالی که نه تنها سیستم HQ2 گذشته از سیستم بسیار کند و پر حجم آن، مشکل بسیار اساسی خود را هنوز دارا بود، حتی سایت موشکی سام نیز در یک وضعیت سردرگم تأسف باری قرار داشت. برادر یاحی، معاون نیروی هوایی، در این زمینه معتقد بود، اشتباهی که در خرید این نوع سیستم موشکی صورت گرفته، در درجه نخست موجب ضربه خوردن به حیثیت نیروی هوایی و در درجه بعد باعث ضربه به سپاه در منطقه شده است.

نقش رابط و هماهنگ کننده

مأموریت دیگر نیروی هوایی سپاه در عملیات، ایفای نقش رابط و هماهنگ کننده نیروی هوایی ارتش و هوانیروز با فرماندهی جنگ بود. چگونگی اجرای این مأموریت، در شرح عملیات هر یک از دو نیروی فوق به طور مشروح بیان خواهد شد. مطلبی که در این باره لازم

توجیه شود. برای این منظور پد تبوک (جاده خرمشهر) برای گروه اصفهان و جاده متروکه مارد برای گروه کرمان در نظر گرفته شد.

شیوه فرماندهی هوانیروز

نیروی هوایی سپاه در عملیات کربلای ۴ با اجرای شیوه جدید بکارگیری امکانات هوانیروز نه تنها توانسته بود به جریان فرماندهی جنگ و قدرت دهی قرارگاه ها بیفزاید، بلکه تا حدودی توانسته بود از اعمال نفوذ عده ای از عناصر مسئله دار هوانیروز، در امر به کارگیری جنگ افزارها بکاهد. در این شیوه هر قرارگاه یک دسته هلی کوپتر کبرا تحت امر فرماندهی خود داشت که بنا به ضرورت، هر زمان که احساس نیاز می کرد در نقاط مورد نظر به کار می گرفت و نیازی نبود که قبلاً با فرماندهی هوانیروز تماس برقرار کرده و پس از جواب مثبت اقدام کند. به عبارتی، دست فرماندهی برای اجرای تدابیر جنگی خود باز بود. البته در کنار آن رابط هوانیروز و نیروی هوایی سپاه برای کنترل روال فنی و تخصصی امر وجود داشتند اما ضعف نیروی هوایی سپاه و عدم کارایی سیستم آن، موجب شد که در این عملیات، هوانیروز با قدری انعطاف بیشتر همان برخورد نیروی هوایی ارتش را داشته باشد و فرماندهی این نیرو، تمام تجهیزات و امکانات خود را در دست گیرد و تنها در اجرای عملیات های خاص مورد نظر هر قرارگاه، پس از اعلام درخواست با موافقت فرماندهی هوانیروز وارد عمل شود. در حقیقت، امتیازی را که سپاه توانسته بود در عملیات کربلای ۴ به دست آورد در این عملیات از آن محروم بود.

شرح عملیات مشترک

شرح عملیات نیروی هوایی سپاه

مأموریت هایی که مستقیماً بر عهده نیروی هوایی سپاه بود، اولاً مأموریت تهیه طرح گسترش سلاح های پدافندی بود که شرح آن در قسمت مأموریت ها آمد. مأموریت دوم این نیرو، عملیاتی کردن سایت موشکی ضدهوایی HQ2 بود.

شکست طرح به کارگیری سیستم موشکی HQ2



به یادآوری است، بیان وضعیت واحد اطلاعات عملیات نیروی هوایی سپاه است که ایفای وظیفه ارتباط، بر عهده این واحد واگذار شده بود. واحد اطلاعات عملیات نیروی هوایی که به تحقیق، یکی از نهادهای کیفی محسوب می شد، به دلیل ناآشنایی به مسائل نیرو و نیز نداشتن برنامه ای متناسب با امکانات و توانایی هایی که در این واحد نهفته بود، این واحد را به عنصر رابط پایگاه های عمل کننده نیروی هوایی

تبدیل کرده بود. در حالی که بر اساس بررسی هایی که بر روی کارهای صرفاً فردی و جمعی این گروه به عمل آمده بود، ارزش و کارایی بالای عناصر تشکیل دهنده آن قابل درک بود، به طوری که در یک مقایسه به دور از اغراق می توان گفت که هیچ یک از مراکز اطلاعات عملیات ارتش از قبیل کمین و ... در زمینه کار تخصصی، رقیب این واحد نبودند و حتی کارهای ارائه شده در حد خود، کاری جدید و بسیار مؤثر - در صورت به کار آمدن آن - بود. در خصوص نقش این واحد در عملیات و وظیفه ای که به آن محول شد، باید گفت فرماندهی نیرو به طور رسمی و مشخص، کار به خصوصی را به این واحد محول نکرد، بلکه بنابر سابقه کار این واحد بر روی خلبانان عراقی و اطلاعاتی که تا آن لحظه به دست آورده بودند، مأموریت تخلیه اطلاعات خلبانان اسیر به آنها سپرده شد و در کنار آن ایجاد ارتباط مستقیم بین سپاه و پایگاه های عملیاتی ارتش نیز جزو وظایف این واحد، قرار گرفت.

شرح عملیات نیروی هوایی ارتش

نیروی هوایی ارتش به لحاظ نزدیکی عملیات کربلای ۴ و ۵ و عدم بکارگیری تجهیزات در حد وسیعی در عملیات کربلای ۴، از آمادگی قابل ملاحظه ای

برخوردار بود. در این مرحله، نیروی هوایی دو پایگاه را جهت بکارگیری امکانات در منطقه جنوب مشخص کرده بود که به ترتیب پایگاه شکاری امیدیه به عنوان پایگاه عمل کننده و پایگاه دزفول به عنوان پایگاه احتیاط و جایگزین بودند اما تا پایان عملیات، پایگاه دزفول مورد استفاده واقع نشد. پایگاه امیدیه که به لحاظ ساخت و ویژگی آن از وسعت سرویس دهی بالایی برخوردار بود و در اصل برای استفاده جنگنده بمب افکن های اف ۱۴ و اف ۱۶ ساخته شده است، به عنوان یکی از پایگاه های مادر در منطقه جنوب محسوب می شود و گذشته از وجود هواپیماهای اف - ۵ و اف - ۴، به لحاظ حفظ امنیت منطقه بندر امام، خارک و نقاط نفتی، از قبل از عملیات کربلای ۴ دارای سه فروند اف - ۱۴ بود.

مأموریت های نیروی هوایی ارتش در بخش هواپیمایی به ترتیب عبارت بود از:

۱. ترابری: که در این قسمت بنابر توافق های صورت گرفته می بایست هواپیماهای C-130- روزانه ۱۰ سورتی پرواز برای انتقال مجروحان از پایگاه امیدیه انجام می دادند.
۲. اسکراینل (پشتیبانی)

تجهیز هواپیمای اف - ۱۴ به بمب

در عملیات کربلای ۴ از هواپیمای اف - ۱۴ برای پشتیبانی هوایی و حرکت های تاکتیکی سود جسته می شد اما در عملیات کربلای ۵ برای اولین بار از آنها به عنوان جنگنده بمب افکن نیز در کنار مأموریت اسکرینل استفاده شد. در صحبت های خصوصی که با رابطین نیروی هوایی ارتش به خصوص با سرگرد نجفی انجام گرفت، ایشان متذکر شد که این عمل برای اولین بار در ایران صورت گرفته است، زیرا تا قبل از این عملیات، نیروی هوایی ارتش دارای امکانات و ابزاری که بتواند هواپیماهای اف - ۱۴ را به بمب مسلح کند و به عنوان بمب افکن از آن بهره گیری شود نبود اما پس از سفر فرستاده امریکا (مک فارلین) ما علاوه بر بمب و تجهیزات، دارای چنین تکنولوژی شدیم و در عملیات کربلای ۵ توانستیم هواپیمای اف - ۱۴ را به بمب مسلح کنیم. این تذکر لازم است که در بمباران قرارگاه سپاه سوم عراق، بنا به دستور از هواپیمای اف - ۱۴ استفاده شد، لذا با به دست آوردن تجهیزات و تکنولوژی آن، هواپیماهای اف - ۱۴ قادرند تا ظرفیت هشت تن بمب حمل کنند که این بالاترین حد در نوع هواپیماهایی است که در اختیار داریم.

به کارگیری بمب ساخت سپاه

به منظور خودکفایی در جنگ، سپاه در کنار کار بر روی انواع موشک ها، در طی یک سال گذشته اقدام به ساخت نوع جدید بمب کرده بود که توسط هواپیما حمل و به کار گرفته می شد، در عملیات کربلای ۵ بمب جدیدی که تولید ابتکاری سپاه بود، توسط هواپیماهای نیروی هوایی ارتش به کار گرفته شد. این بمب جدید دارای ۱۷ قدرت انفجاری موشک فراگ و قدرت تخریبی بمب دو هزار پوندی بود. موج انفجاری که در اثر این بمب به وجود می آمد بین یک تا پنج کیلومتر بود که در شعاع یک تا دو کیلومتری مرکز انفجار، نیروهای پیاده از رده خارج و امواج الکترونیکی نیز از کار می افتاد. پوسته این نوع بمب از فایبرگلاس بود و فقط سازندگان آن نتوانسته بودند قسمتی از این بمب یعنی فیوز آن را بسازند، که آن هم از نیروی هوایی ارتش دریافت می شد. بمب جدید برای

اولین بار در رامهرمز مورد آزمایش قرار گرفت و نیروی هوایی نحوه بکارگیری و مانور پس از پرتاب آن را با هواپیماهای اف - ۵ تمرین کرد که جزئیات کار آن به صورت طبقه بندی حفظ شده است.

سپاه روزانه سه بمب از این نوع را تولید می کرد که برای این عملیات توانسته بود تعداد مورد نیاز را تأمین کند. این نوع از بمب به لحاظ قدرت بسیار بالا، در عملیات خیلی مؤثر واقع شد. این بمب پس از کشف نقاط تجمع زرهی، نیرو و محل های ترافیک دشمن که به وسیله دیدبان های توپخانه انجام می گرفت، بکار گرفته می شد که بنا بر گزارش ها، عملکرد در خور توجهی داشت، به طوری که موجب تقویت روحیه نیروها نیز شده بود. به لحاظ نوع ساخت بمب و قرار داشتن دو بال در دو طرف آن، احتیاجی نبود که هواپیمای تک کننده به بالای هدف برود و سپس بمب را پرتاب کند، بلکه در دو کیلومتری هدف، آن را به حالت پرتاب در هوا، لیز می داد و بمب به لحاظ شتاب هواپیما این دو کیلومتر را تا هدف طی می کرد و جنگنده در این فرصت زمانی می توانست خود را از شعاع موج انفجاری آن دور کرده و در امان باشد. وزن تقریبی بمب در حدود هزار و صد کیلو بود.

اجرای تک و هماهنگی سپاه و ارتش

به لحاظ وجود یک سایت فعال سام ۲ متعلق به دشمن در منطقه و بکارگیری تعداد فراوان موشک های سام ۶ در کنار اروند، جنگنده بمب افکن های نیروی هوایی در موقع اجرای عملیات نمی توانستند از سطح زمین ارتفاع زیادی بگیرند، بنابراین در درجه نخست، عملیات ها محدود به نقاط نزدیک به خط اول نیروهای خودی بود و در صورت نیاز مبرم و اضطراری، به آنان مأموریت های در عمق داده می شد، بنابراین جنگنده ها در حین اجرای مأموریت، در ارتفاع بسیار پایین پرواز می کردند که این خود در مؤثر بودن عملیات بسیار حائز اهمیت بود و دشمن تا لحظه مورد هجوم قرار گرفتن واحدهای خود، نمی توانست از چگونگی اجرای تک هوایی آگاه شود و بنابراین پدافند آن قادر به دفع هواپیماها نبود. علاوه بر آن، به لحاظ هماهنگی بسیار بی سابقه واحد پدافند

نداشته باشد و در صورتی که مشکل و یا مسئله ای رخ می داد، نیروی هوایی سپاه ضمن درخواست از فرماندهی قرارگاه خاتم در صدد حل معضل ایجاد شده بر می آمد. برخلاف آنچه که در برآوردهای اولیه بر روی آن توافق شده بود، نیروی هوایی ارتش از ۵۰ قبضه اورلیکن تنها ۱۷ قبضه آن را در منطقه گسترش داده بود که آنها نیز دو نوع بودند، یعنی ۹ قبضه الکترونیکی، ۷ قبضه مکانیکی و یک قبضه نیز با اشکال مواجه شده بود. در واقع از میزان پیش بینی شده تنها ۳۲ درصد در منطقه مستقر شد، بنابراین پس از شش روز که از عملیات می گذشت و موقعیت گردان ها و گروهان های توپخانه توسط دشمن شناسایی گردیده بود، تمامی مراکز توپخانه از صبح روز ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ چندین نوبت در هر روز مورد تهاجم هواپیماهای عراقی قرار می گرفتند که متعاقب این حملات و خسارات وارده، فرماندهی قرارگاه صاعقه [قرارگاه نیروی هوایی سپاه] طی حکمی به قرارگاه رعد [قرارگاه نیروی هوایی ارتش] دستور داد تا برای پوشش آتش بارهای توپخانه، تعداد ۱۰ قبضه توپ ۳۵ میلیمتری اورلیکن به پدافند منطقه بیفزاید، اما پس از گذشت چند روز از این دستور و نیز تأکید فرماندهی سپاه، با این مسئله دو برخورد جداگانه صورت گرفت. از یک سو مسئولان پدافند نیروی زمینی حاضر نبودند در این جهت اقدامی انجام دهند، زیرا معتقد بودند نیروی هوایی ارتش در این خصوص اقدامی نخواهد کرد و اگر احیاناً نیز کاری انجام دهد، همان صحنه های عملیات کربلای ۴ و عملیاتی نشدن آنها دوباره تکرار خواهد شد که در این خصوص، آنچه قابل توجه بود برخورد آرام و محبت آمیز مسئولان پدافند نیروی زمینی با قرارگاه صاعقه بود، از سوی دیگر در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳۰ سرهنگ بابایی با ارسال نامه ای از قرارگاه های صاعقه و خاتم الانبیا(ص) درخواست کرد، سپاه تعدادی توپ پدافند را جایگزین توپ های ۲۳ میلیمتری ارتش در منطقه فاو کند تا آنها بتوانند برای پوشش منطقه از آنها استفاده کنند. در حقیقت، درخواست ارتش بیانگر این بود که عمل مثبتی صورت نخواهد گرفت. اما ارتش در دیگر بخش های پدافندی بسیار موفق بود، به عنوان مثال موشک راپیر در طول جنگ برای اولین بار توانست هواپیمای عراقی را مورد هدف قرار دهد، همچنین حدود

هوایی سپاه با نیروی هوایی ارتش، جنگنده ها با راحتی و امنیت بیشتر وارد منطقه می شدند و نگرانی از جانب پدافند خودی و احیاناً مورد هدف قرار گرفتن آنان وجود نداشت. بنابراین در زمانی که قرار بود پروازی انجام گیرد، نقطه هدف که به وسیله ی سپاه و یا نیروی هوایی ارتش مشخص شده بود، به دیده ورهای توپخانه اطلاع داده می شد و از سوی 'کانال پست' به کلیه پدافندها پنج دقیقه آتش بس اعلام می گردید که در این فاصله زمانی، هواپیماهای تک کننده وارد منطقه شده و پس از اجرای عملیات به سرعت از آن خارج می شدند و پس از آن صحت اصابت تیر و نیز مقدار تخریب، توسط دیده ورهای توپخانه سپاه گزارش می شد. این اقدام برای اجرای عملیات بهتر در آینده، بسیار قابل استفاده بود، لذا در این بخش دیده وری صحیح، پدافند هماهنگ، نزدیکی اهداف مورد نظر و شکل و وضعیت زمین چهار عامل مؤثر بودند که در افزایش کارایی عملیات ها در کربلای ۵ نقش حیاتی را ایفا کردند و بدین نحو در این عملیات، در داخل منطقه هیچ یک از هواپیماها مورد هدف پدافند دشمن قرار نگرفت.

اما نقطه ضعف موجود، تغییر بیایی نوع هدف و نوع بمب به کار گرفته شده بود، بدین صورت که به لحاظ محدودیت تعداد هواپیماها پس از هر تغییر در هدف به ناچار بمب مورد استفاده نیز تغییر می کرد و به طور مثال هواپیمایی که آن را به سیستم بمب خوشه ای تجهیز و آماده کرده بودند برای اینکه اجرای عملیات کند، می بایست سیستم حمل بمب آن تغییر می کرد، بنابراین زمان زیادی در این تغییرات، صرف می شد و در هر فاصله تغییر، سه ساعت زمان تلف می شد و این از کارایی و سرعت عمل نیروی هوایی می کاست و به تبع آن خلبان نیز خسته می شد چرا که مجبور می گردید در هر روز با چند شیوه و بمب مختلف کار کند....

ناهماهنگی نیروی هوایی ارتش و سپاه برای پدافند غیرعامل و عامل

نیروی هوایی ارتش تحت امر قرارگاه خاتم الانبیا(ص) بود لذا این مسئله باعث شده بود نیروی هوایی سپاه هیچ گونه کنترل عملیاتی بر روی عملکرد و تجهیزات آن

روز مکان آن تغییر می کرد و ما نمی توانستیم موقعیت صحیح آن را بیابیم، بنابراین ناخودآگاه در برد آن وارد می شدیم و مورد اصابت موشک قرار می گرفتیم.»

اما با توجه به درخواست های مکرر نیروی هوایی سپاه در مورد تعویض محل سایت ها، حرکتی صورت نگرفت و متعاقب این مسئله، فرماندهی عملیات نیروی هوایی سپاه ضمن گزارش به قرارگاه خاتم تقاضای توجه سریع به این امر را کرد. در این گزارش آمده است: «سلام علیکم، بدین وسیله به اطلاع می رسانیم علی رغم درخواست های مکرر شفاهی و یک مورد کتبی مبنی بر ارائه گزارش نوبه ای از وضعیت آمادگی عملیاتی سلاح های پدافندی موجود در منطقه عملیاتی کربلای ۵ از قرارگاه رعد، متأسفانه هنوز هیچ گونه اقدامی صورت نگرفته است.»

با توجه به تجارب گذشته مبنی بر اینکه استقرار سایت هاوک در یک محل ثابت بسیار آسیب پذیر می باشد، قرارگاه مهندسی رزمی قرارگاه خاتم(ص) قبل از عملیات، هشت سایت هاوک در منطقه مهیا نمود. بدین وسیله اعلام می داریم محل های استقرار سایت هاوک فعلی برای دشمن بعضی صهیونیستی شناخته شده می باشد و امکان انهدام آن توسط هواپیما حتمی است. بنابراین پیشنهاد می شود نسبت به تعویض محل های آن اقدام عاجل صورت گیرد.»^۲

این موضوع با سفر آقای هاشمی رفسنجانی به منطقه راکد باقی ماند و با حضور ایشان موقعیت یکی از سایت ها تغییر کرد. در حالی که اگر این تغییر پیشتر انجام می گردید نه تنها از حملاتی که بر روی توپخانه ها صورت می گرفت کاسته می شد، بلکه خطوط اول خودی که پی گیرانه توسط هواپیماهای دشمن بمباران می شد از پوشش موشکی هاوک بهره مند می گردید.

فعالیت هوایی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

تاریخ	پایگاه فعال	پایگاه رزرو	نقاط درخواست شده	تعداد اهداف زده شده	تعداد نقاط زده شده	سورتی پرواز
۱۹ تا ۱۳۶۵/۱۰/۲۵	امیدیه	دزفول	۴۹ نقطه	۲۱ نقطه	۳۶ نقطه	۵۶ فروند

۱. به منظور فریب دشمن و کاهش فشار آن بر عملیات کربلای ۵، چند روز پس از آغاز این عملیات، عملیاتی فرعی توسط ارتش در منطقه سومار انجام گرفت.

اما دشمن به زودی متوجه این فریب شده و همه توان خود را در مقابل با عملیات کربلای ۵ به کار گرفت.

۲. گزارش قرارگاه صاعقه به قرارگاه خاتم الانبیا درباره شناسایی سایت های هاوک، ۲۶۱۰-۱/ق/ط/۸/۱۳۶۵

۱۵٪ از ضربات وارده به هواپیماهای دشمن در منطقه حاصل عملکرد توپ های پدافند موجود در منطقه مانند اورلیکن و ۵۷ میلیمتری بود.

عملیاتی شدن دو سایت هاوک و ناهماهنگی در تغییر محل سایت ها

دو سایت موشک هاوک در منطقه مستقر شد و عملیاتی گردید که بنابر روش عملیات های قبل به صورت روشن و خاموش کردن های لحظه ای و آتش، عمل می کردند و تا شش روز اول عملیات به خاطر اینکه دشمن دستخوش تغییرات لحظه ای خطوط اول بود، امکان ضربه زنی به سایت ها و خطوط عقبه خودی به وسیله دشمن وجود نداشت و در این چند روز، سایت های هاوک از این سردرگمی استفاده صحیحی کردند. با گذشت زمان و مشخص شدن وضعیت عملیات سومار،^۱ دشمن به طرز دقیق تری در روش رادار برخورد با سایت های موشکی و تشدید بمباران های خطوط اول در پیش گرفت، نخست اینکه در این خطوط، هواپیماهای تک کننده عراقی به هیچ وجه در برد عملیاتی هاوک ها وارد نمی شدند و بمباران را در خط ادامه می دادند و سپس هم زمان با هجوم های گله ای به سایت ها در صدد انهدام آنها بر می آمدند و این کار را تا جایی ادامه می دادند که حتی در یک مورد از بمباران ها یکی از موشک های هاوک آتش گرفت. بنابراین لزوم تغییر محل سایت ها احساس شد. اصولاً هشت محل سایت در ابتدا برای این کار ساخته شده بود تا هر چند روز یک بار، محل سایت عملیاتی تغییر کند که دشمن نتواند محل آن را شناسایی کند و هم اینکه کارایی آن بدین ترتیب حفظ شود. یکی از خلبانان عراقی که در عملیات والفجر ۸ اسیر شده بود می گفت:

«رمز موفقیت سیستم هاوک شما در این بود که هر چند

شرح عملیات هوانیروز

بیش از ده فروند هلی کوپتر مورد اصابت ترکش قرار گرفت که تنها سه فروند آن از رده خارج شد و در این بین هیچ کدام از خلبانان، اسیر یا شهید نشدند. به عنوان مثال یکی از هلی کوپترهای کبرای گروه کرمان مورد اصابت ۲۷ ترکش قرار گرفت و حتی یک ترکش پس از خرد کردن جعبه دنده آن به سینه خلبان خورده بود، اما به خاطر سپر حفاظتی که در لباس خلبان وجود داشت وی شهید نشد؛ با این وجود، شدت ضربه آن قدر زیاد بود که خلبان بی هوش گردید و هلی کوپتر توسط کمک خلبان کنترل شده و به پایگاه گروه بازگشت که از این نوع حوادث در گروه یعنی گروه اصفهان نیز مکرر وجود داشت.

هماهنگی هوانیروز و سپاه

عملکرد هوانیروز و هماهنگی آن با نیروی هوایی سپاه در این عملیات فوق العاده و تا پیش از این زمان بی سابقه بود به طوری که بدون استثنا هر نقطه ای را که سپاه مشخص می کرد آنها روی آن کار می کردند و نتیجه آن نیز رضایت بخش بود. به عنوان مثال برای اولین بار در طول جنگ، ده درصد کل مجروحان، توسط هلی کوپترهای ترابری هوانیروز انتقال یافتند که تمامی مسئولان بهداری بر این امر صحنه می گذارند. در طول عملیات، هلی کوپترهای شنوک تحت اختیار بهداری عمل می کردند.

مقابله با پاتک احتمالی دشمن در منطقه فاو

در روز ۱۳۶۵/۱۰/۲۷ به علت احساس خطری که در پی تجمع نیروهای عراقی در شمال فاو احساس می شد، یک دسته از گروه اصفهان به پد المهدی (عج) - که در عملیات والفجر ۸ از آن استفاده می شد - انتقال یافت و مأمور شد برای نشان دادن حساسیت و آمادگی نیروهای خودی به دشمن، در منطقه فاو اجرای عملیات شناسایی و در صورت نیاز اجرای عملیات آتش کند.

در مورد تحرکات عراق در منطقه فاو دو احتمال وجود داشت: احتمال اول این بود که برای حفظ وجهه از دست رفته خود و کسب ثبات در سیستم نظامی اش، در فاو دست به عملیات خواهد زد. احتمال دوم این بود که ارتش عراق نیروهای ضربه خورده خود را برای بازسازی

در شروع عملیات، کار ارتباط و هماهنگی با هوانیروز، به خاطر اینکه معاونت عملیات و ستاد این نیرو توجیه نشده بودند و برادر رحیم صفوی، جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه، فقط سرهنگ شالچی، فرمانده هوانیروز ارتش را نسبت به دو نقطه پاسگاه برزگر و آبادان توجیه کرده بود، بنابراین آنها عکس العمل های سرد و منفی از خود نشان می دادند اما به مرور زمان و گسترش ارتباطات بین هوانیروز و نیروی هوایی سپاه، این سوء تفاهم نیز بر طرف شد. یکی از مولفه هایی که هوانیروز در این عملیات به نحو احسن از آن بهره گرفت، آمادگی و آشنایی آنان به منطقه بود و با وجود اینکه گروه هوانیروز مسجدسلیمان به عنوان احتیاط منطقه محسوب می شد اما مسئولان هوانیروز در این عملیات تلاش کردند بسیاری از امکانات سرویس دهی و تعمیراتی خود را در داخل منطقه انجام دهند. هر گروه، خسارات وارده به تجهیزات و هلی کوپترهای خود را سریعاً در منطقه رفع می کرد، بنابراین از استعداد تیم های آتش و قدرت آن کاسته نمی شد و فرماندهی با آسودگی بیشتری می توانست از این امکان استفاده صحیح ببرد. مسیر رفت و برگشت تیم های آتش هوانیروز تماماً از مسیر استقرار نیروهای خودی انتخاب شده بود تا در صورت مورد هدف واقع شدن، در منطقه خودی سقوط کنند که ضمن جلوگیری از اسیر دادن، حضور هلی کوپترها و عبورشان از مسیر استقرار نیروها نیز برای آنها روحیه بخش باشد. از این رو تمام پروازها در سطح بسیار پایین و از روی آب گرفتگی به داخل پنج ضلعی صورت می گرفت. همچنین یکی از امتیازات این مسیر این بود که گلوله های شلیک شده به علت سقوط در آب دارای ترکش کمتری بود و از قدرت انفجاری آنها نیز کاسته می شد و بدین نحو خطر کمتری تیم های آتش را تهدید می کرد.

بمباران پایگاه گروه مسجدسلیمان از سوی دشمن که در آن فرمانده، معاون و جمعی از خلبانان به شهادت رسیدند، به دلیل تأثیری که بر روحیه بقیه افراد گروه داشت آنان با موافقت فرماندهی از منطقه خارج شدند با این حال از قدرت و کارایی هوانیروز کاسته نشد. در طول عملیات

قرار می گرفت، اما به لحاظ وجود سایت های فعال سام دشمن چنین موقعیتی به دست نمی آمد، بنابراین به هوانیروز مأموریت داده شد که با موشک ماوریک این برج را مورد هدف قرار دهد. متعاقب این دستور یک دسته از گروه کرمان جهت انجام این کار معین گردید. برای اجرای این مأموریت و بالا بردن دقت کار در ابتدا برج مذکور با یک راکت معمولی مورد هدف قرار گرفت و سوراخ شد، سپس با قفل کردن موشک ماوریک روی سوراخ مذکور و شلیک آن مشخص شد که این موشک پس از طی مسیر خود، در نزدیکی هدف منحرف شده و به طرفی دیگر می رود. با توجه به اهمیت هدف مذکور، این کار چندین بار تکرار گردید اما نتیجه ای حاصل نشد. سرهنگ روحی پور، معاون عملیات هوانیروز، در این زمینه می گفت:

«احتمال دارد دشمن از سیستم جدیدی برای انحراف موشک ها استفاده می کند که این سیستم با فرستادن امواج پارازیت، موشک را از هدف خود منحرف کند.»

بنابراین پس از انجام این عمل، بررسی این نکته، را ضروری می نمود که آیا دشمن توانسته است به این سیستم جدید دست یابد یا خیر.

جمع بندی فعالیت هوانیروز در عملیات

فعالیت هوانیروز در عملیات کربلای ۵ از ۱۹ تا ۱۳۶۵/۱۰/۲۶ به شرح زیر گزارش می شود. (جدول)

فعالیت های عملیاتی و ترابری هوانیروز در کربلای ۵، از ۱۹ الی ۱۳۶۵/۱۰/۲۶

نوع وسیله	تعداد	سورتی	فعالیت های انجام شده	راکت	موشک	توپ ۲۰ میلیمتری	ملاحظات
هلی کوپتر ۲۰۵ و ۲۰۶	۱۶	۷۸					
هلی کوپتر AH_7_L	۱۰۶	۱۹۶		۲۵۱۶	۲۳	۴۱۵۰	۱۰۰ موشک تاو [Tow] نیز از سپاه دریافت داشتند.
هلی کوپتر ۲۱۴	۱۰۶	۲۲۸	حمل ۴۴۴ مجروح و یک و نیم تن بار				
هلی کوپتر شنوک CH_47	۲۴	۷۶	حمل ۱۰۶۳ مجروح				

۱. این موشک از قدرت بسیار بالایی برخوردار است، با سیستم نوری کار می کرد و دقت آن در حدی بود که می توانست بر روی یک نقطه قفل کرده و سپس بر روی هدف اجرای آتش کند.

بانیروهای مستقر در فاو تعویض کرده و آنان را برای پاتک به منطقه عملیات کربلای ۵ انتقال دهد، که در هر دو صورت حضور فعال و مستقیم نیروی خودی در آن منطقه به گونه ای که دشمن نیز آن را حس کند، حایز اهمیت بود.

احتمال به کار گیری سیستم انحراف موشک توسط دشمن

هم زمان با عملیات کربلای ۴، کارخانه پتروشیمی عراق و دکل های آن به عنوان یکی از مراکز حساس دیده وری دشمن در منطقه جنوب مطرح بود که هواپیماهای خودی تا قبل از عملیات کربلای ۵ آن منطقه را چندین بار بمباران کرده بودند، اما این دکل ها از قدرت و استحکام لازم برخوردار بودند، بنابراین در عملیات کربلای ۵ بار دیگر پس از شناسایی هایی که بر روی آنها انجام شد، مشخص گردید که برج های این کارخانه هنوز فعال هستند و بر بسیاری از نقاط حساس منطقه عملیاتی کربلای ۵ به راحتی احاطه دید دارند، بدین لحاظ به نیروی هوایی ارتش و هوانیروز در چندین نوبت مأموریت داده شد که برج ها را هدف قرار دهند، اما به لحاظ کمی وسعت و کوچکی حجم، این برج ها به راحتی مورد هدف بمباران قرار نمی گرفتند؛ حتی با استفاده از بمب جدید ۳۰ هزار پوندی سپاه در یک نوبت نیز نتیجه مطلوب به دست نیامد. همچنین اشکال دیگری که در این بمباران ها وجود داشت این بود که برای بمباران دقیق می بایست هواپیما بر روی هدف

فعالیت های هوایی دشمن در منطقه عملیاتی کربلای ۵

مجموع حملات دشمن در ده روز اول عملیات در منطقه عملیاتی کربلای ۵ شامل ۴۸۰ حمله بود که در این حملات، ۸۱۰ سورتی پرواز از سه پایگاه عراق انجام گرفت. فعال ترین پایگاه، پایگاه ناصریه بود و از پایگاه کوت - به علت داشتن هواپیماهای میراث - بیشتر برای رهگیری و پوشش هوایی و عملیات ضد راداری استفاده می شد و به صورت تک فروندی عمل می کرد.

همچنین به دلیل قرار گرفتن پایگاه شعیبه^۱ در زیر آتش توپخانه خودی، پرواز نسبتاً کمتری از آن صورت گرفت. دشمن بیشترین عملیات را در این منطقه در روزهای سوم و چهارم عملیات داشت که بعد از آن به علت راه اندازی سایت های موشکی، سورتی پروازهای آن تقلیل یافت، اما پس از چندی، پروازها به صورت چند فروندی (هشت فروند به بالا) انجام می گرفت، در حالی که قبل از آن تنها تعداد معدودی از پایگاه کوت بر روی منطقه به گشت زنی مشغول بودند. این تغییر را می توان معلول چند عامل دانست؛ اول اینکه فلش اصلی حرکت خودی برای دشمن پس از گذشت پنج یا شش روز از عملیات مشخص شد، بنابراین عراقی ها با توجه به شناسایی فلش عملیات، برنامه ریزی هوایی خود را مشخص کردند. دوم اینکه با مشخص شدن وجود دو سایت موشکی هاوک در این بخش و عملکرد بسیار مثبت آن، حملات گله ای جهت از کار انداختن رادار و پدافند موشکی آغاز شد و بیشترین حملات در خطوط اول منطقه عملیات را به

خود اختصاص داد. می توان گفت به علت همین پدافند موشکی در عقبه خودی، دشمن حملات هوایی خود را بیشتر صرف تشدید بمباران شهرها و مناطق مسکونی و دور دست کرد. بدین ترتیب پروازهای کم از پایگاه کوت^۲ که هواپیماهای دوربرد میراث^۳ در آن مستقر بودند، می توانست بیانگر این موضوع باشد. همچنین استفاده از هواپیماهای توپولف از پایگاه هبانیه قابل توجه می باشد که می توان دلیل آن را نگه داشتن توان جنگنده های پیشرفته جهت مراحل بعدی دانست.

در نهایت، فعال شدن پایگاه های اضطراری^۴ جلیه^۵ و شامیه^۶ با توجه به زیر آتش رفتن پایگاه شعیبه و نیز بکارگیری فشرده نیروی هوایی عراق را می توان نشانه فرا رسیدن زمان تعمیر و چک و بررسی کل هواپیماهای عراق، در نظر گرفت. لذا با توجه به فعالیت نسبی پایگاه شعیبه می توان گفت که هنوز تا این لحظه آتش توپخانه خودی نتوانسته پایگاه مزبور را از کار بیندازد. از این رو، واحد اطلاعات عملیات پیشنهاد کرد برای خنثی کردن حملات هوایی دشمن به شهرها و جنگ پشتیبانی و عقبه، پایگاه مزبور هدف موشک قرار گیرد که همین پیشنهاد نیز در ارتباط با پایگاه کوت داده شد اما هیچ کدام عملی نشد. لازم به ذکر است که جمع بندی حاصله، از روی ثبت راداری پروازها در (کام پست) نیروی هوایی سپاه در منطقه برداشت گردید و جمع پروازهای ارتفاع کم و پروازهای پایگاه های دیگر که به ندرت عملیاتی انجام می دادند ثبت نگردیده بود، لیکن می توان به طور تقریبی به آمار جدول زیر مطمئن بود.

فعالیت هوایی دشمن در منطقه عملیاتی کربلای ۵ از ۱۹ الی ۲۵/۱۰/۱۳۶۵

فعالیت پایگاه	پایگاه کوت	پایگاه ناصریه	پایگاه شعیبه
حملات ثبت شده	۵۷	۱۵۰	۱۴۶
تعدادی سورتی پرواز	۱۱۳	۳۳۰	۲۳۸
در مجموع دشمن طی یک هفته ۳۵۳ حمله را به وسیله ۶۸۱ سورتی پرواز انجام داده بود.			

۱. پایگاه شعیبه در عملیات والفجر ۸، به عنوان یک پایگاه فعال محسوب می شد.